



آیا مکاتب و دانشگاه‌ها در پانزدهم اسد بازمی‌شوند؟



وزارت‌های تحصیلات عالی و معارف از آغاز درس‌های دانشگاه‌ها و مکتب‌ها زیر شرایط ویژه صحتی خبر می‌دهند. به گفته این وزارت‌ها، ممکن است دروازه‌های دانشگاه‌ها و مکتب‌ها روز چهارشنبه، پانزدهم اسد، باز شود. مقام‌ها در وزارت تحصیلات عالی می‌گویند که نظر به توصیه‌های وزارت صحت عامه، شمار دانشجویان در صنف‌ها را کاهش می‌دهند و درس‌ها را با رعایت فاصله اجتماعی آغاز می‌کنند. قرار است درس‌های دانشگاه‌های خصوصی و دولتی به گونه فشرده و در ادامه درس آنلاین آغاز شود. در همین رابطه وزارت صحت عامه تصریح می‌کند که وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی می‌توانند با رعایت سه معیار، دروازه‌های دانشگاه‌ها و مکتب‌ها را بازگشایی کنند. این وزارت توضیح می‌دهد که هنگام آغاز درس‌های مکتب‌ها و دانشگاه‌ها، فاصله اجتماعی باید مراعات شده و هم‌زمان با آن، دست‌شویی و مواد ضدعفونی‌کننده نیز در دسترس دانشجویان و دانش‌آموزان قرار گیرد تا از گسترش بیش‌تر ویروس کرونا جلوگیری شود.



کابل روز جمعه میزبان سومین لویه جرگه مشورتی صلح است

بهره‌گیری سوء یا برده‌داری در شکل جدید

عوامل تهدیدکننده پروسه صلح

اعلام آتش‌بس سه روزه در ایام عید قربان از سوی گروه طالبان، گمانه‌زنی‌های رسیدن مردم افغانستان به صلح را بیش‌تر می‌سازد. باید تذکر داد که صلح تنها به معنای نبود جنگ نیست، بلکه این واژه، مفهوم وسیع‌تر آن را در بر دارد که شامل امنیت در موضوعات رفاه اجتماعی، اقتصادی و به رسمیت شناختن برابری و انصاف در روابط سیاسی نیز می‌گردد.

اهداف پنهانی جرگه‌ها



در افغانستان لویه‌جرگه با قدمت تاریخی و جایگاه حقوقی در وثیقه ملی به عنوان عالی‌ترین مظهر اراده مردم جا گرفته است. معمولاً لویه‌جرگه‌ها برای تعدیل و تصویب احکام قانون اساسی، اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و در حالات اضطرار و فوق‌العاده و همچنان برای محاکمه رییس جمهور برگزار می‌گردد.

سرپرست وزارت داخله: رهبر تازه منصوب شده شاخه خراسان داعش، عضو شبکه حقانی است

۸ صبح، کابل: محمدمسعود اندرابی، سرپرست وزارت امور داخله، می‌گوید که شهاب المهاجر، رهبر تازه منصوب شده شاخه خراسان گروه داعش، عضو شبکه حقانی است. سرپرست وزارت امور داخله روز دوشنبه، سیزدهم اسد، در توییتی نوشت که شبکه حقانی و گروه طالبان فعالیت‌های تروریستی خود را روزانه در افغانستان انجام می‌دهند، اما هنگامی که این حملات آن‌ها را به اهداف سیاسی‌شان نرساند، آن را به گروه داعش نسبت می‌دهند.

این در حالی است که اخیراً گروه طالبان دست‌داشتن در برخی از حملات مرگبار در کشور را رد کرده است. این گروه در مواردی حتا برخی حلقه‌های درون حکومتی را به اجرای چنین حملات متهم می‌کند. گروه طالبان مسوولیت حمله‌ی موثر بمب‌گذاری شده در ولایت لوگر را که روزی پیش‌تر از عید قربان انجام شد و در آن دست‌کم نه نفر کشته شدند، برعهده نگرفت.

حمله مهاجمان به زندان ننگرهار که شام روز یکشنبه آغاز شد و حدود ۲۰ ساعت ادامه یافت، در نخستین ساعات از سوی گروه طالبان دست‌داشتن افراد این گروه در آن رد شد. گروه داعش مسوولیت این حمله را بر عهده گرفته است. مقام‌های محلی ننگرهار گفته‌اند که در این حمله دست‌کم ۲۵ نفر کشته و ۴۸ تن دیگر زخمی شده‌اند. ده مهاجم در این حمله دست‌داشتند.

گفتنی است که عبدالله اورکزى مشهور به اسلم فاروقی پیش از این رهبر شاخه خراسان گروه داعش بود. ریاست عمومی امنیت ملی در شانزدهم حمل اعلام کرد که عبدالله اورکزى را همراه با ۱۹ همکارش را طی عملیاتی بازداشت کرده است.



۲۵ کشته و ۴۸ زخمی در حمله به زندان ننگرهار؛ «اکثریت مطلق زندانیان فراری بازداشت شده‌اند»



وزارت دفاع ملی شمار مهاجمان را ۱۰ نفر اعلام کرده است. ولایت با کشته شدن ۱۱ مهاجم پایان یافته است.

عطاءالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار، گفته است که در پی حمله مهاجمان ۲۵ تن کشته و ۴۸ تن دیگر زخمی شده‌اند. قربانیان شامل ۲۰ غیرنظامی، سه زندانی و دو نظامی می‌شوند. از جانب دیگر رییس ستاد ارتش می‌گوید که اکثریت مطلق زندانیان فراری از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. سخنگوی والی ننگرهار گفته است که نیروهای امنیتی ۴۳۰ زندانی و ۴۰ خانواده را که در اطراف زندان گیر مانده بودند، نجات داده‌اند.

سخنگوی والی ننگرهار گفته است که نیروهای امنیتی ۴۳۰ زندانی و ۴۰ خانواده را که در زندان و ساختمان‌های اطراف آن گیر مانده بودند، نجات داده‌اند. حمله مهاجمان که ساعت ۶:۴۰ شام روز یکشنبه آغاز شده بود، حوالی ساعت ۵:۳۰ روز دوشنبه، سیزدهم اسد، پایان یافت.

زدان حرفه‌ای بانک از سوی امنیت ملی هرات بازداشت شدند

۸ صبح، هرات: ریاست عمومی امنیت ملی هرات، از بازداشت گروهی از زدان حرفه‌ای یک بانک غیردولتی در این ولایت خبر می‌دهد. این نهاد با نشر خبرنامه‌ای گفته است که زدان از سوی نیروهای قطعات ویژه امنیت ملی گرفتار شده‌اند.

خبرنامه می‌افزاید سه تن از افراد بازداشتی که عاملان اصلی دزدی مسلحانه از «بانک اسلامی» در هرات هستند، در بررسی‌های ابتدایی به دست داشتن در این سرقت اعتراف کرده‌اند. در خبرنامه هم‌چنان آمده است که این افراد، از هسته‌های اصلی گروه‌های زدان مسلح در هرات هستند.

ریاست عمومی امنیت ملی هرات، به هراتیان اطمینان داده است که تمامی هسته‌های زدان مسلح و هراس‌افگانی که نظم و امنیت مردم را مختل می‌کنند، از سوی این نهاد بازداشت خواهند شد. این در حالی است که در این اواخر، نگرانی‌ها از افزایش دزدی‌های مسلحانه در هرات افزایش یافته است و هراتیان از عمل کرد نیروهای امنیتی در مهار جرایم به ویژه دزدی‌ها انتقاد دارند.



صنعت گردش‌گری در پنج‌شیر و تاثیر اقتصادی آن بر زنده‌گی مردم



صنعت گردش‌گری به عنوان سومین بخش پردرآمد اقتصادی جهان از نظر رشد تولید ناخالص داخلی به شمار می‌رود. بر اساس اولین آمار و ارقام نشر شده توسط سازمان جهانی گردش‌گری (UNWTO) گردش‌گری بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ با ثبت ۱.۵ میلیارد سفر نسبت به سال ۲۰۱۸ با رشد چهار درصدی همراه بود. صنعت گردش‌گری جهانی نیز برای دهمین سال پیاپی رشد مثبت را سپری می‌کند.



واقعیت «داعش» را با مردم شریک سازید

حمله مرگبار به زندان مرکزی شهر جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار، مرموز و پیچیده است. این حمله ساعتی پس از آن صورت گرفت که ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرد ضیاءالرحمان مشهور به اسدالله اورکزی، مسوول عمومی استخبارات شاخه‌ی خراسان گروه داعش در عملیات نیروهای ویژه این ریاست در ولایت ننگرهار کشته شده است. رییس‌جمهور غنی در ماه عقرب سال گذشته در سفری به ننگرهار، پایان کار داعش در شرق کشور به ویژه ننگرهار را به مردم نوید داده بود. در آن زمان طالبان در واکنش به این اظهارات آقای غنی، پایان مانورهای داعش در شرق افغانستان را کار خودشان عنوان کردند، اما از آن تاریخ تا به حال، حملات مرگبار متعددی در گوشه و کنار افغانستان به این گروه نسبت داده شده است.

سال گذشته در جریان حضور دونالد ترمپ رییس‌جمهور ایالات متحده در بگرام اعلام شد که داعش در افغانستان نابود شده است. رییس‌جمهور بر حال افغانستان هم گفت که تا سه ماه آینده هیچ اثری از این گروه در افغانستان باقی نمی‌ماند. وزیر دفاع امریکا هم گفت که بیش‌تر نیروی ولایت خراسان خلافت داعش نابود شده‌اند و در حال حاضر صرف چند صد مرد مسلح زیر نام داعش در افغانستان فعالیت دارند.

سوال این جا است که چگونه یک گروه شکست خورده، مرموزترین عملیات‌های ممکن را راه‌اندازی می‌کند. واقعیت این است که با وصف حملات متعددی که همواره به داعش نسبت داده شده، مردم افغانستان قدرت نظامی این گروه را تا اکنون جدی نگرفته‌اند، اما ادامه این حملات به ویژه طی ماه‌های گذشته و نسبت دادن آن‌ها به گروه داعش سوال‌های زیادی را خلق کرده است.

در ظاهر، داعش در افغانستان هم‌زمان با چند جبهه درگیر است. حکومت افغانستان و طالبان ظاهراً هر دو دشمن مشترک داعش‌اند. نیروهای بین‌المللی که در حال حاضر در توافق با طالبان به سر می‌برند نیز فرصت بیش‌تری برای مبارزه با داعش پیدا کرده‌اند. کشورهای همسایه افغانستان نیز ادعا می‌کنند که هیچ نوع رابطه استراتژیکی با گروه داعش ایجاد نکرده‌اند. بر خلاف گروه طالبان، داعش از حمایت تسلیحاتی و مالی هیچ یک از کشورهای همسایه افغانستان برخوردار نیست. گروه داعش در میان اقوام مختلف افغانستان نیز نفوذ آن‌چنانی ندارد. پس واقعیت این گروه چیست؟

این گروه چگونه توانسته زیر بار این همه فشارها، تاب بیاورد؟ چه کسی گروه داعش را در افغانستان کمک تسلیحاتی می‌کند. منابع مالی داعش در افغانستان از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ ادعاهایی که در مورد فعالیت‌های شبکه حقانی و نسبت دادن این فعالیت‌ها به داعش مطرح شده چقدر واقعیت دارد؟ آیا طالبانی که از توافق صلح با ایالات متحده امریکا ناراضی‌اند جذب داعش شده‌اند؟

مردم افغانستان می‌خواهند که به همه این پرسش‌ها پاسخ داده شود. حالا که مسیر گفت‌وگوهای صلح میان حکومت افغانستان و طالبان به پیچ‌های آخر خود نزدیک شده، آیا قدرت‌مندتر شدن این گروه و افزایش حملاتی که به داعشیان نسبت داده می‌شود، سناریوی جدید دوران پس‌اصلاح در افغانستان خواهد بود؟

یکی از نگرانی‌های عمده، رشد سلفی‌گری در مناطقی از شرق و جنوب افغانستان است. باورهای سلفی‌گرایانه بی‌تردید به نفوذ افکار داعشی در میان برخی کتله‌های اجتماعی کمک کرده است. در میان طالبان نیز کسانی با افکار سلفی‌گرایانه حضور داشتند/ دارند. این افراد ممکن است که در پی توافق ایالات متحده و طالبان، حملات و عملیات‌های‌شان را تحت نام داعش انجام دهند. بیش‌تر حملات داعش شبیه حملاتی است که طالبان طی ۱۹ سال گذشته انجام داده‌اند. طالبان طی ۱۹ سال اخیر به خوبی روش‌های جنگ غیر مستقیم با حکومت را آموخته‌اند. مثلاً حمله اخیر به زندان ننگرهار شبیه حملاتی است که چندین بار توسط طالبان در زندان‌های بزرگ کشور از جمله زندان قندهار اجرا شده بود. حمله به معبد سیک‌ها شبیه حملات متعددی است که توسط طالبان علیه برخی از تجمعات طی نزدیک به دو دهه اخیر صورت گرفته است. حمله به مراسم شهید مزاری شبیه حملات طالبان به چند مراسم رسمی از جمله مراسم سالگرد پیروزی مجاهدین در ۸ ثور بود. حکومت افغانستان در جریان مذاکرات صلح باید مسأله داعش را با طالبان روشن سازد. این همه شباهت‌های تاکتیکی از دو حالت خارج نیست. یا طالبان برخی از فعالیت‌های تخریب‌کارانه‌ی‌شان را زیر نام داعش انجام می‌دهند و یا شماری از رهبران و افراد تندروتر طالبان به داعش پیوسته‌اند. مشخص است که حکومت افغانستان و حامیان بین‌المللی‌اش در تحلیل خودش مبنی بر شکست داعش در کشور دچار اشتباه شده‌اند. اگر داعش واقعاً قدرتمندانه در افغانستان حضور داشته باشد، معلوم است که بنیادهای فکری این گروه با تفنگ و بمب از بین نمی‌رود و زمینه‌ها، روابط و مناسبات اجتماعی، شبکه‌ای و مافیایی که سبب به میان آمدن داعش شده بود از بین نرفته است.

احتمال افزایش مبتلایان و فوتی‌های کرونا در هرات



محمد امین نخوا

یافته‌های ریاست صحت عامه هرات نشان می‌دهد، به دلیل بی‌توجهی مردم در رعایت موارد بهداشتی و توصیه‌های پزشکان در روزهای عید قربان، ممکن است طی روزهای آینده شمار مبتلایان و فوتی‌های کرونا، افزایش پیدا کند.

این نهاد، هم‌چنان هشدار می‌دهد، برخی موارد مشکوک به کرونا، میان مسافران بازگشتی از ایران مشاهده شده و احتمال انتقال دوباره ویروس از این کشور، نگران‌کننده است. آگاهان امور پزشکی نیز هشدار می‌دهند، حکومت باید تمرکز بیش‌تری بر مرز ایران داشته باشد و مسافران مشکوک را «تجرید» کند.

هجوم مردم به بازارها برای خرید ضروریات عید، چند روز مانده به عید قربان، تجمع در مکان‌های سرپسته، عدم رعایت توصیه‌های پزشکان و رفت‌وآمد در روزهای عید، خطر افزایش مبتلایان و فوتی‌های کرونا را افزایش داده است.

مقام‌های ریاست صحت عامه هرات، از آماده‌گی پزشکان و کارکنان صحتی برای مقابله با افزایش مبتلایان طی روزهای آینده خبر داده و از پی‌آمدهای خطرناک بی‌توجهی مردم در رعایت نکات بهداشتی، هشدار می‌دهند.

بررسی‌های ابتدایی ریاست صحت عامه هرات، از احتمال افزایش شمار مبتلایان و مرگ‌ومیر بیماران کووید-۱۹ در روزهای آینده حکایت دارد. از دید مقام‌های صحتی در هرات، نشانه‌های افزایش مبتلایان و فوتی‌های کرونا، به دنبال بی‌پروایی‌ها در رعایت موارد بهداشتی در روزهای عید، مشاهده شده است.

محمدرفیق شیرزی، سخنگوی این نهاد، در صحبت با ۸ صبح هشدار می‌دهد، بی‌توجهی مردم در عملی کردن توصیه‌های پزشکان و رعایت نکردن نکات بهداشتی، احتمال افزایش میزان مبتلایان و مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹ را افزایش داده است.

به گفته‌ی او، باوجود هشدار مقام‌های صحتی، باز هم شمار زیادی از هراتیان نکات بهداشتی را اجرا نکردند و بدون توجه به مواردی مانند فاصله‌گیری اجتماعی، تجمع نکردن در مکان‌های سرپسته و رعایت بهداشت فردی، عید را تجلیل کردند.

به روایت سخنگوی ریاست صحت عامه هرات، آزمایش‌های صورت گرفته در روزهای اخیر و بررسی کلینیکی بیماران مشکوک از سوی پزشکان نشان می‌دهد، شمار مبتلایان نسبت به روزهای پیش از عید افزایش یافته است. وی می‌افزاید، ریاست صحت عامه با مشاهده نشانه‌های احتمال افزایش مبتلایان و فوتی‌های کرونا طی روزهای پیش رو، آماده‌گی‌های لازم را برای عرضه خدمات به بیماران و مهار «موج افزایش بیماری» روی دست گرفته است.

در هرات، برای درمان بیماران کووید-۱۹ سه شفاخانه اختصاصی با ظرفیت پذیرش بیش‌تر از ۵۰۰ بیمار وجود دارد و با افزایش مبتلایان، امکان افزایش بسترها نیز فراهم شده است. همین اکنون در سه شفاخانه ویژه بیماران کرونا، ۷۵ بیمار زیر درمان قرار دارند.

افزون بر این، آزمایشگاهی با ظرفیت آزمایش ۳۰۰ نمونه در ۲۴ ساعت فعالیت دارد، اما به دلیل محدودیت‌های وضع شده از سوی وزارت

غنی در واکنش به حمله ننگرهار: تروریستان با اجرای حملات نمی‌توانند اراده مردم را برای صلح تضعیف کنند

۸ صبح، کابل: محمدشرف غنی، رییس‌جمهور، در واکنش به حمله مهاجمان وابسته به گروه داعش بر زندان ننگرهار، گفته است که تروریستان با اجرای چنین حملاتی نمی‌توانند اراده‌ی مردم را برای صلح و ثبات تضعیف کنند. آقای غنی این حمله را «وحشیانه، جنایت بشری و مغایر ارزش‌های اسلامی» خوانده است. در اعلامیه ارگ ریاست جمهوری به نقل از محمدشرف غنی آمده است: «راه‌اندازی حمله‌های تروریستی در روز عید سعید اضحی که یکی از جشن‌های مسلمانان و روز خوشی و مهرورزی است، در تضاد با اصول دینی و انسانی قرار دارد».

رییس‌جمهور غنی بار دیگر به برقراری آتش‌بس و یا کاهش خشونت تأکید کرده است.

حمله مهاجمان وابسته به گروه داعش بر زندان ننگرهار شام روز گذشته آغاز شد و تا پس از چاشت روز دوشنبه، سیزدهم اسد، ادامه داشت. این حمله با انفجار موتور بمب‌گذاری شده در ورودی زندان ننگرهار آغاز شد.

وزارت دفاع ملی گفته است ساختمانی که در آن مهاجمان جابه‌جا شده بودند و نیز زندان ننگرهار، پاک‌سازی شده است.

این وزارت شمار مهاجمان را ۱۰ نفر اعلام کرده که همه‌ی‌شان کشته شده‌اند.

وزارت دفاع ملی می‌گوید که پنج زندانی از سوی مهاجمان کشته و شش زندانی دیگر زخمی شده‌اند. شمار تلفات نیروهای امنیتی از سوی وزارت دفاع ملی دو تن اعلام شده است. هم‌چنان وزارت دفاع ملی گفته است که نیروهای امنیتی ۴۰ خانواده را از ساختمانی که مهاجمان در آن جای گرفته بودند، نجات داده‌اند.

طبق اعلام وزارت دفاع ملی، یک هزار و ۲۵ زندانی که فرار کرده بودند، بازداشت شده‌اند و همه‌ی زندانیان در کنترل نیروهای امنیتی قرار دارند.

در هنگام حمله بیش از یک هزار و ۷۰۰ نفر در زندان ننگرهار زندانی بودند.

سخنگوی والی ننگرهار شمار تلفات را ۲۹ کشته و بیش از ۵۰ زخمی اعلام کرده است.



لین برق وارداتی ایران به هرات در اثر اصابت گلوله قطع شد

۸ صبح، کابل: شرکت برشنا روز دوشنبه، سیزدهم اسد، اعلام کرد که لین برق وارداتی ایران به هرات در اثر اصابت گلوله در ولسوالی کهسان این ولایت قطع شده است. این شرکت گفته است که قطع این لین کاهش ۵۰ درصدی برق وارداتی ایران به افغانستان را در پی داشته است.

طبق اعلام شرکت برشنا، تیم فنی برای ترمیم دوباره این لین به محل حادثه رفته است.

چند روز پیش نیز دو لین برق وارداتی اوزبیکستان به افغانستان در ولایت بغلان قطع شده بود که کابل پایتخت و ولایت‌های هم‌جوار آن را در تاریکی فرو برد، اما دوباره از سوی شرکت برشنا ترمیم شد.

قطع لین‌های برق یکی از چالش‌های جدی برای شرکت برشنا است.

طبق معلومات مسوولان این شرکت، سالانه به دلیل تخریب پایه‌ها و قطع لین‌ها، میلیون‌ها افغانی زیان مالی به شرکت برشنا وارد می‌شود.

کابل روز جمعه میزبان سومین لویه جرگه مشورتی صلح است



شهر کابل در پایان هفته روان برای سومین بار میزبان لویه جرگه مشورتی صلح است. بر اساس برنامه‌های حکومت، محور این جرگه را تصمیم‌گیری در مورد چگونگی رهایی ۴۰۰ زندانی باقی‌مانده



دیدگاه‌ها در مورد رهایی ۴۰۰ زندانی طالبان برگزار خواهد شد. وی در ادامه تصریح کرد که این شورا از برگزاری لویه جرگه مشورتی حمایت می‌کند. این در حالی است که عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، از حضور در لویه جرگه مشورتی سال گذشته انصراف داد و پس از پایان آن، در گفت‌وگو با رسانه‌های بین‌المللی تصریح کرده بود که لویه جرگه مشورتی به رغم تحمیل هزینه مالی بر مردم و ایجاد وقفه در فعالیت‌های اقتصادی و اجرای امور دولتی، دست‌آورد جدی نداشته است. گفتنی است که علاوه بر آقای عبدالله، حامد کرزی، رییس جمهور سابق و تعداد زیادی از سیاستمداران از اشتراک در لویه جرگه مشورتی صلح سال گذشته خودداری کرده بودند.

دومین لویه جرگه مشورتی صلح، ماه ثور سال گذشته در کابل برگزار شد، پنج روز ادامه داشت و محور آن را تعیین حدود و چارچوب مذاکرات صلح با گروه طالبان تشکیل می‌داد. اعضای لویه جرگه مشورتی صلح سال گذشته در پایان قطع‌نامه ۲۳ ماده‌ای را نشر کردند که بر اساس آن، از طرف‌های خواسته شد تا زمینه گفت‌وگوهای مستقیم را با «حفظ نظام جمهوری» فراهم کرده و آتش‌بس برقرار کنند. با این حال، هنوز زمینه برای گفت‌وگوهای مستقیم میان دو طرف فراهم نشده است. طالبان پیش‌تر خواهان رهایی کامل پنج هزار زندانی‌شان شده‌اند. این در حالی است که به گفته مقام‌ها، ۴۰۰ زندانی طالب موارد حق‌العیدی را مرتکب شده‌اند و رییس جمهور بنا بر نداشتن صلاحیت‌های قانونی، نمی‌تواند به تنهایی در مورد آن تصمیم بگیرد. باید تصریح کرد که اولین دور لویه جرگه مشورتی صلح در سال ۱۳۸۹ از سوی حکومت حامد کرزی برگزار شده و در آن، بر مصالحه با گروه طالبان تأکید شد.

روی همین دلیل در نظر دارد که همه‌ی خطرها و فرصت‌های روند صلح را به مردم شرح دهد تا به این ترتیب، دیدگاه‌ها و مشوره‌های مردم را در لویه جرگه مشورتی داشته باشد. مقامات در حکومت پیش‌تر گفته‌اند که لویه جرگه مشورتی ثور ۱۳۹۸ کارساز بوده و توانسته برنامه‌های حکومت را سمت‌وسو دهد. به گفته آقای صدیقی، قرار است کمیته برگزاری لویه جرگه مشورتی که متشکل از شورای عالی مصالحه ملی، اداره امور ریاست جمهوری و وزارت دولت در امور صلح است، امروز سه‌شنبه، چهاردهم اسد، در مورد این جرگه، اشتراک‌کننده‌گان و مصارف آن معلومات ارائه کند. هم‌زمان با این تصمیم ارگ ریاست جمهوری، شورای عالی مصالحه ملی نیز از برگزاری لویه جرگه مشورتی استقبال کرده است. فریدون خوزون، سخنگوی این شورا، به روزنامه ۸صبح گفت که این لویه جرگه برای رفع موانع پیرامون مذاکرات بین‌افغانی، مشورت با مردم و درخواست

را از خطرات و تهدیدات روند صلح آگاه کند. گفتنی است که لویه جرگه مشورتی سال گذشته میزبان سه هزار و ۲۰۰ نفر بود که ۳۰ درصد آن را زنان تشکیل می‌دادند.

صدیق صدیقی هم‌چنان در مورد ۴۰۰ زندانی طالب معلومات عمومی ارائه کرد، اما تصریح کرد که معلومات کامل آن با اعضای لویه جرگه مشورتی شریک خواهد شد. به گفته سخنگوی ارگ ریاست جمهوری، ۴۰۰ زندانی طالب شامل افرادی می‌شوند که به مجازات اعدام محکوم شده و قتل دو تا ۴۰ نفر، قاچاق مواد مخدر، آدم‌ربایی و سایر موارد سنگین را در پرونده‌های‌شان دارند. آقای صدیقی افزود که دلیل اصلی برگزاری لویه جرگه مشورتی، اجماع مردم در مورد رهایی ۴۰۰ زندانی طالب است. ارگ می‌گوید که تصمیم مردم برای حکومت ارزنده بوده و رییس جمهور غنی نمی‌خواهد تصمیم‌ها را خلاف خواست و دیدگاه شهروندان بگیرد. به گفته وی، حکومت

گروه طالبان، مشورت در مورد آینده کشور، ارزش‌های نوزده سال پسین، نظام جمهوری، ارزش‌های وابسته به جمهوریت و اولویت‌های انکشافی حکومت تشکیل می‌دهد. با این حال، تصمیم‌گیری در مورد ۴۰۰ زندانی طالبان موضوع کلیدی این جرگه مشورتی خوانده شده است. مقامات در ارگ ریاست جمهوری می‌گویند که این زندانیان موارد قتل دو تا ۴۰ نفر و جرایم سنگین از جمله قاچاق مواد مخدر و آدم‌ربایی را در پرونده‌های‌شان دارند که افراد اعدامی را نیز شامل می‌شوند. به این ترتیب، حکومت قرار است ترکیب لویه جرگه مشورتی سال گذشته را برای تصمیم‌گیری در مورد رهایی ۴۰۰ زندانی طالبان و آینده صلح یک بار دیگر فراخواند. این بار اما برخلاف سال گذشته، عبدالله در چارچوب شورای عالی مصالحه ملی از برگزاری لویه جرگه مشورتی کنونی استقبال کرده است. گفتنی است که لویه جرگه مشورتی صلح سال گذشته پنج روز ادامه یافت و حدود پنج میلیون دالر هزینه برداشت.

سومین لویه جرگه مشورتی صلح قرار روز جمعه، هفدهم اسد، با حضور نماینده‌گان شورای ملی، شورای عالی مصالحه ملی و سایر اقشار در کابل برگزار شود. صدیق صدیقی، سخنگوی ارگ ریاست جمهوری، می‌گوید که قرار است اعضای لویه جرگه مشورتی صلح که در ماه ثور سال گذشته برگزار شد، در لویه جرگه مشورتی کنونی نیز اشتراک کنند. وی در مورد نگرانی‌ها از احتمال مصارف بالا در این جرگه گفت که رییس جمهور غنی دستور داده تا حداقل هزینه برای برگزاری این لویه جرگه در نظر گرفته شود. سخنگوی ریاست جمهوری تأکید می‌کند که حکومت طرفدار تأمین شفافیت در روند صلح است و لویه جرگه را نیز به همان هدف برگزار می‌کند تا مردم

آیا مکاتب و دانشگاه‌ها در پانزدهم اسد باز می‌شوند؟



وزارت‌های تحصیلات عالی و معارف از آغاز درس‌های دانشگاه‌ها و مکاتب زیر شرایط ویژه صحی خبر می‌دهند. به گفته این وزارت‌ها، ممکن است دروازه‌های دانشگاه‌ها و مکاتب روز چهارشنبه،



پانزدهم اسد، باز شود. مقام‌ها در وزارت تحصیلات عالی می‌گویند که نظر به توصیه‌های وزارت صحت عامه، شمار دانشجویان در صنف‌ها را کاهش می‌دهند و درس‌ها را با رعایت فاصله اجتماعی آغاز می‌کنند. قرار است درس‌های دانشگاه‌های خصوصی و دولتی به گونه فشرده و در ادامه درس آنلاین آغاز شود. در همین رابطه وزارت صحت عامه تصریح می‌کند که وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی می‌توانند با رعایت سه معیار، دروازه‌های دانشگاه‌ها و مکاتب را بازگشایی کنند. این وزارت توضیح می‌دهد که هنگام آغاز درس‌های مکاتب‌ها و دانشگاه‌ها، فاصله اجتماعی باید مراعات شده و هم‌زمان با آن، دست‌شویی و مواد ضدعفونی‌کننده نیز در دسترس دانشجویان و دانش‌آموزان قرار گیرد تا از گسترش بیشتر ویروس کرونا جلوگیری شود. حنیف فرزنان، معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که ممکن است فردا، چهارشنبه، پانزدهم اسد، دانشگاه‌های خصوصی و دولتی زیر شرایط ویژه صحی باز شوند. او افزود که مراعات کردن فاصله اجتماعی، ضدعفونی کردن صنف‌ها، استفاده از ماسک و دست‌کش از جمله شرایطی است که وزارت صحت عامه برای باز شدن دانشگاه‌ها گذاشته است. در کنار این فرزان اشاره کرد که دانشجویان هنگام ورود به دانشگاه‌ها توسط «آله تب‌سنج» تب‌شان بررسی شده و سپس اجازه ورود به محوطه دانشگاه‌ها را حاصل می‌کنند. معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی از سویی هم اضافه کرد که منع تجمعات علمی و فرهنگی و تجزیه صنف‌ها به گروه‌های

است و شیوع آن بیش‌تر است، ممکن است تأثیر منفی بالای تصمیم کابینه بگذارد.»

این در حالی است که وزارت صحت عامه به تازه‌گی یک سروی سراسری را برای تشخیص مبتلایان به ویروس کرونا به راه انداخته است. قرار است این تصمیم به زودی همه‌گانی شود و وزارت صحت عامه سروی‌اش را مبنی بر میزان ابتلا به ویروس کرونا به نشر برساند. وزارت معارف نیز بازشدن مکاتب را مشروط بر این سروی می‌داند. نوریه نزهت، سخنگوی وزارت معارف، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که محتمل است در پانزدهم اسد، دروازه مکاتب به روی دانش‌آموزان باز شود. او اما بازشدن مکاتب را مرتبط با سروی سراسری وزارت صحت عامه دانست. او گفت، در صورتی که وضعیت نورمال باشد و سروی نشان دهد که شمار مبتلایان به ویروس کرونا کاهش یافته، ممکن است دروازه‌های مکاتب باز شود. خانم نزهت ابراز داشت، در صورتی که اجازه باز شدن به مکاتب داده شود، این وزارت آماده است که با توجه به توصیه‌های صحی، مکاتب را باز کند.

در همین حال وزارت صحت عامه می‌گوید که یک کمیته با عضویت وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی ایجاد شده که شرایط بازشدن دانشگاه‌ها و مکاتب را بررسی کند. اکمل سمسور، سخنگوی وزارت صحت عامه، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که برای بازشدن مکاتب و دانشگاه‌ها سه معیار در نظر گرفته شده است. او توضیح داد که رعایت فاصله اجتماعی، سهولت دست شستن و ضدعفونی از جمله معیارهایی است که در مکاتب باید در نظر گرفته شوند. هم‌چنان او بیان داشت، در صورتی که یک شاگرد و یا استاد به ویروس کرونا مصاب می‌شود، باید تمامی شاگردان و یا استاد و کسانی که با وی در ارتباط بوده‌اند، قرنطین شوند. هم‌چنان او در مورد سروی وزارت صحت عامه گفت که به زودی این سروی همه‌گانی می‌شود. او اما گفت که براساس یافته‌های این سروی، میزان مبتلایان و شیوع ویروس کرونا در بعضی ولایات بیش‌تر بوده و ممکن است که در بازشدن مکاتب و دانشگاه‌ها تأثیر بگذارد. آقای سمسور گفت، در جایی که فیصدی واقعات مثبت ویروس کرونا کم‌تر باشد، مکاتب به صورت تدریجی باز می‌شود و فاصله اجتماعی در این مکاتب باید رعایت شود. آقای سمسور تصریح کرد، در نقاطی که درصدی واقعات مثبت کرونا بیش‌تر باشد، باز شدن مکاتب ابتداییه خطرناک است.

کوچک از دیگر توصیه‌های وزارت صحت عامه است که برای بازشدن دانشگاه‌ها تعیین شده است. به بیان او: «توصیه‌های وزارت صحت عامه همین بود که در هر صنف ۱۵ نفر باشد. آماده‌گی لازم اتخاذ شده است.» هم‌چنان وی خاطر نشان کرد که یک هیأت صحی جهت نظارت از تطبیق این پیش‌شرط‌ها در دانشگاه‌های خصوصی و دولتی فعالیت می‌کند تا اطمینان حاصل کند که دانشجویان توصیه‌ها را مراعات می‌کنند. از جانب دیگر معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی اظهار داشت که با بازشدن دانشگاه‌ها، درس‌ها به ادامه صنف‌های آنلاین شروع خواهد شد. آقای فرزان تصریح کرد که در وزارت تحصیلات عالی کدام قانون به نام درس آنلاین وجود ندارد، از این رو دانشجویانی که در درس‌های آنلاین را به مدت ۱۶ هفته خوانده باشند، هشت هفته در نظر گرفته شده و ۸ هفته دیگر درس حضوری در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی تطبیق می‌شود. او گفت هیچ نهاد خصوصی نمی‌تواند از این قاعده عدول کند و به ادامه درس‌های آنلاین، امتحان سمسور بهاری را بگیرد. به گفته معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی این قاعده اما در مناطق گرم‌سیر متفاوت است. در مناطق گرم‌سیر پیش از شیوع ویروس

کرونا تا حدودی درس‌های‌شان را خوانده‌اند، از این رو به گفته آقای فرزان در این مناطق به مدت چهار هفته تدریس در نظر گرفته شده و سپس امتحان سمسور بهاری اخذ می‌شود. از سویی هم اکثر دانشجویان از ولایات‌اند، از این رو برای گذران زنده‌گی، به خوابگاه نیاز دارند. در خوابگاه نیز شمار زیادی در یک اتاق سپری می‌کنند که امکان انتشار ویروس کرونا را افزایش می‌دهد. در همین رابطه معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی می‌گوید که تاکنون برای جلوگیری از تجمعات در خوابگاه‌ها تصمیم نهایی اتخاذ نشده است. او اما بیان داشت که وزارت تحصیلات عالی برنامه‌هایی روی دست دارد تا بتواند جلو تجمعات در خوابگاه‌ها را نیز بگیرد. از سوی دیگر، حنیف فرزنان تصریح کرد که اعلام نتایج سروی وزارت صحت عامه این نهادها را در یک دوراهی قرار داده است. وی افزود که ممکن است با اعلام این سروی، تصمیم کابینه مبنی بر بازشدن دانشگاه تغییر کند. او گفت: «قرار است امروز جلسه کابینه برگزار شود و ممکن است که وزارت صحت عامه نتایج سروی را در کابینه ارائه کند که گردش ویروس چگونه است. اگر این سروی نشان دهد که وضعیت وخیم و کرونا در گردش

عوامل تهدید کننده پروسه صلح

رامش نوری، استاد دانشگاه

مقدمه

اعلام آتش‌بس سه روزه در ایام عید قربان از سوی گروه طالبان، گمانه‌زنی‌های رسیدن مردم افغانستان به صلح را بیش‌تر می‌سازد. باید تذکر داد که صلح تنها به معنای نبود جنگ نیست، بلکه این واژه، مفهوم وسیع‌تر آن را در بر دارد که شامل امنیت در موضوعات رفاه اجتماعی، اقتصادی و به رسمیت شناختن برابری و انصاف در روابط سیاسی نیز می‌گردد. با درک این، مفهوم وسیعی از صلح به ویژه در افغانستان درگیر جنگ، که سال‌ها است با این واژه بیگانه است و آرزوی رسیدن به آن را دارد، عواملی هم‌چنان وجود دارد که می‌تواند تهدیدگر پروسه صلح افغانستان باشد که لازم است به گونه‌ی در پایین به آن بپردازیم و این مسایل طبیعتاً می‌تواند اشتراک‌کننده‌گان این پروسه را کمک کند تا مردم افغانستان را به آرزوی دیرینه‌ی‌شان یا همان «صلح» برسانند.

الف عوامل فرهنگی

۱. برداشت‌های غلط از دین و جزم‌اندیشی

منظورم از جزم‌اندیشی در این نوشته، این است که فردی بخواهد برداشت‌های خودش را از دین، مساوی با خود دین بداند و اگر فردی مخالف و خلاف وی عقیده داشت و فکر کرد و یا برداشت دیگری از دین داشت، او را کافر گفته و واجب‌القتل بداند. این مسأله می‌تواند پروسه صلح را به گونه‌ی جدی تهدید کند. ماهیت طالبانی و مذهب طالبانی، جزم‌اندیشی و برداشت سخت‌گیرانه از دین است. یا به قول دیگر، طالبان در عرصه‌ی فقهی، پیرو دیدگاه فقهی اصالة‌الحظری هستند. برای روشن‌سازی ذهنیت خواننده باید بگویم که دو دیدگاه کلان فقهی در میان علمای اسلامی وجود دارد.

الف) دیدگاه اصالة‌الایباحه

ب) دیدگاه اصالة‌الحظری

دیدگاه اصالة‌الایباحه بدین باور است که همه‌چیز جایز، روا و مباح است، مگر این که بر حرام بودن آن آیت و روایتی از جانب خدا و رسولش وجود داشته باشد. در حالی که دیدگاه اصالة‌الحظری بر عکس این دیدگاه است. یعنی دیدگاه اصالة‌الحظری بدین عقیده است که همه‌چیز ناجایز و ناروا است مگر این که از جانب خدا و رسولش آیت و یا روایتی بر حلال بودن و جایز بودن آن وجود داشته باشد. بنا بر این، با توجه به این مسأله، میان سه چیز باید تفکیک شود: اصل و حقیقت دین، برداشت صاحب‌نظران از دین و سنت‌ها و عنعنات بومی و

محلی طالبان که با مسایل و احکام اسلامی مخلوط ساخته‌اند.

۲. تعصبات مذهبی، قومی و سوء استفاده بیرونی

یادمان باشد که تکرر قومی یا مذهبی سبب اصلی جنگ و عامل تهدیدکننده صلح و امنیت نیست. بلکه تعصب کور و غیر عقلانی قومی و مذهبی است که آتش جنگ را روشن نگه می‌دارد و به خصوص که همسایه‌گان و کشورهای دیگر از تکرر مذهبی و قومی در کشوری چون افغانستان سوء استفاده کرده و مردم را در برابر یک‌دیگر تحریک می‌کنند. در جنگ‌های افغانستان، به ویژه در ۴۰ سال پسین، دست‌های پیدا و پنهان خارجی به خصوص کشورهای همسایه در نفاق‌های داخلی و برادر کشی وجود داشته است. بنا تعصبات مذهبی، قومی و سوء استفاده بیرونی‌ها می‌تواند پروسه صلح مردم افغانستان را تهدید کند.

ب) عوامل سیاسی و اجتماعی

۱- چنددسته‌گی پروسه صلح

منظورم از چنددسته‌گی پروسه صلح این است که حکومت افغانستان از سه آدرس، پروسه صلح را به پیش می‌برد. وزارت دولت در امور صلح، شورای عالی صلح به ریاست دکتر عبدالله عبدالله و شورای امنیت افغانستان. این چنددسته‌گی می‌تواند پروسه صلح‌خواهی مردم افغانستان را به خطر بیناندازد.

۲- برتری طلبی قومی

عامل بسیار جدی اجتماعی‌ای که می‌تواند پروسه صلح را شکننده بسازد و یا حتا پس از کامیابی ناکامش بسازد، نگاه برتری‌طلبانه‌ی قومی در کشور چندقومی است. حکومتی می‌تواند در جامعه چندقومی، بدرخشد که توازنی میان قدرت و ثروت در بین همه اقوام شکل بگیرد و هیچ گروه قومی خودش را از دایره حکومت بیرون ننداند.

۳. فساد گسترده و قانون‌گریزی

حکومت‌داری خوب، در واقع متضمن احترام سیاست‌مداران و سازمان‌ها به حقوق بشر و اصول دموکراسی و حاکمیت قانون است. در چنین نگرش، نهادهای دولتی به مسایل عمومی می‌پردازند. منافع خودشان را مدیریت می‌کنند. ولی اگر فرآیند گسترده‌گی فساد و گریز از قانون در کشور ادامه پیدا کند، نه تنها به صلح نمی‌رسیم بلکه پروسه کنونی صلح هم با خطر مواجه می‌شود.

۴. تداوم ترور و کشتار

ترور عمل نفرت‌آمیزی است که آثار بسیار شومی را بر کشورها تحمیل کرده و صلح داخلی و بین‌المللی را تهدید می‌کند. در افغانستان روزانه صدها انسان به دلیل عمل تروریستی طالبان کشته می‌شوند و به قول محمداشرف غنی، رییس جمهور از زمان امضای توافق‌نامه‌ی صلح طالبان با ایالات متحده امریکا تا اکنون ۳۵ هزار انسان در حمله‌های تروریستی طالبان کشته شدند. تداوم کشتار و ترور می‌تواند پروسه صلح را به خطر بیناندازد، بنا هیأت گفت‌وگوکننده باید خاموشی ماشین کشتار و ترور طالبان را که دستگاه جنگی پاکستان علیه مردم افغانستان است، بخواهند.

ج) عامل اقتصادی

مهم‌ترین عامل تهدیدکننده صلح فقر است. فقر بی‌آمدهای بسیاری دارد. یکی از این بی‌آمدها تهدید صلح است. فقر باعث شکل‌گیری تروریسم، مهاجرت و نزاع بر سر منابع محدود می‌گردد. گروه‌های تروریستی، کشورهای فقیر را پناهگاه و منبع نیروی انسانی خودشان قرار می‌دهند. این گروه‌ها از طریق عملیات‌هایی که انجام می‌دهند و مراکز که تمویل می‌شوند، پول‌ها و ثروت‌های کلان به دست می‌آورند. نیروهای ارزانی را از کشورهای فقیر به ساده‌گی به استخدام می‌کنند. هم‌چنان، عاملی که می‌تواند پروسه صلح را با تهدید مواجه کند، عامل اقتصادی است. منظورم از عامل اقتصادی، بده و بستان در جریان مذاکرات است؛ همان گونه که نخبه‌گان طالبان از امریکایی‌ها پیش از امضای توافق‌نامه پول اخذ کردند. ترسی وجود دارد که هیأت مذاکره‌کننده از کشورهای ناخیراندیش خارجی و همسایه‌گان بد دیانت ما برای تخریب این پروسه، پول دریافت کنند.

نتیجه‌گیری:

می‌توان عوامل تهدیدکننده‌ی پروسه صلح را به عوامل فرهنگی، سیاسی-اجتماعی و عامل اقتصادی دسته‌بندی کرد و در یک نتیجه‌گیری کلی، مواردی چون برداشت‌های غلط از دین و جزم‌اندیشی، تأکید بر رویکرد فقهی اصالة‌الحظری، تعصبات مذهبی-قومی و سوء استفاده بیرونی‌ها، چنددسته‌گی حکومت در پروسه صلح، برتری‌طلبی قومی، فساد گسترده و قانون‌گریزی، تداوم ترور و کشتار و پول را از عوامل برهم‌زننده و تهدیدکننده پروسه صلح افغانستان دانست.

بهره‌گیری سوء یا برده‌داری در شکل جدید

نصرالله استانکز، استاد دانشگاه

توماس هابز فیلسوف معروف قرن هفدهم انگلیس، در کتاب «شهروند» گفته بود: «انسان گرگ انسان است.» آری، انسان در طول تاریخش گاهی هم هم‌نوعش را از دایره انسانیت خارج دانسته، و او را به مثابه مال تلقی نموده، و مورد بهره‌برداری سوء قرار داده است. در طول یک هزار سال تاریخ بشر، شکل ابتدایی این بهره‌برداری به برده‌گی گرفتن، خریدوفروش و به عنوان متاع در بازار فروش غلامان بوده است. با انتقال زنده‌گی، از شکار به زراعت، دیگر این برده جزء وسایل تولید نظام فیودالیتته شده، و باز هم انسان شکل استفاده هم‌نوعش را تغییر داده و خلاف کرامت او سوء استفاده انسان تداوم یافت. با انقلاب صنعتی، تعریف این انسان محکوم تغییر یافت و به عنوان کارگر، به عنوان جزئی از وسایل تولید، زنجیر غلامی را به دوش کشید.

قرن بیستم، در ظاهر امر شکن‌گاه برده‌گی شناخته می‌شود، اما واقعیت امر چنین است که شکل این برده‌گی تغییر یافت و تحت عناوین فریبنده، اشکال جدید چون برده‌گی جنسی، بیگاری، فحشای اجباری، به اجاره دادن به منظور تولید نسل، انجام کارهای ثقیل صنعتی و زراعتی و غیره امور مشابه، را به خود کسب کرد.

یکی از زمینه‌های تأمین، این اشکال برده‌گی، قاچاق انسان است که امروزه از حیث درآمد غیر قانونی بعد از تجارت سلاح و قاچاق مواد مخدر، در جایگاه سوم قرار دارد.

قاچاق انسان به اساس «پروتوکل الحاقی کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته‌ی فراملی در مورد بازدارنده‌گی، فرونشانی و تعزیر قاچاق انسان

به خصوص زنان و اطفال سازمان ملل متحد سال...» ۲. که افغانستان در سال ۱۳۹۳ هجری خورشیدی به آن الحاق شده است، چنین تعریف می‌شود: «اصطلاح «قاچاق انسان به معنای جلب، حمل‌ونقل، نگهداری و دست‌یابی به افراد به وسیله تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، آدم‌ربایی، تقلب، فریب‌کاری، سوء استفاده، حالت آسیب‌پذیری، پرداخت یا حصول پول یا منافع مالی برای تأمین رضایت یک فرد، که بر فرد دگر کنترل دارد، غرض بهره‌کشی می‌باشد. بهره‌کشی کم‌از کم شامل بهره‌کشی روسپی‌گری یا فحشا یا سایر اشکال بهره‌برداری جنسی، کار اجباری، برده‌گی یا اعمال مشابه به برده‌گی، خدمت اجباری یا برداشت اعضای بدن»

کود جزای افغانستان، با متابعت از پروتکل فوق‌الذکر، قاچاق انسان را در ماده ۵۱ خویش، طور ذیل شناسایی نموده است: «(۱) قاچاق انسان، استخدام یا تحت تسلط قرار دادن، انتقال، حمل‌ونقل، نگهداری یا دریافت شخص است به منظور بهره‌کشی یا استفاده از شیوه‌های ذیل؛

- ۱- تهدید یا استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار، اختطاف،
- ۲- حیل و نیرنگ،
- ۳- سوء استفاده از نفوذ،
- ۴- سوء استفاده از حالت آسیب‌پذیری یا مجبوری
- ۵- و پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی.
- ۷- تحت تسلط قرار دادن طفل به مقصد بهره‌کشی گرچه از شیوه‌های مذکور استفاده نشده باشد،

راه نرفته

دولت پنجم، نبرد بهیموت علیه لویاتان



ناهید فرید

براساس برخی اسطوره‌های یهودی در آخر زمان نبردی سخت میان لویاتان و بهیموت رخ می‌دهد. در این نبرد آن دو با جنگ و دندان و شاخ به هم حمله‌ور می‌شوند، اما خداوند هردو را با شمشیر خود می‌کشد. در نظریه‌ی سیاسی توماس هابز، بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز دولت مدرن و فیلسوف برجسته انگلیسی، نیز چنین نزاعی مفروض است؛ اما هابز لویاتان را برای توصیف دولت و حاکمیت و قدرت قانونی و برحق و جامعه‌ی مدنی به کار می‌برد، در حالی که بهیموت به عنوان ضد لویاتان تصویر هرج‌ومرج، بی‌قانونی و بی‌نظمی است. از تاسیس نظام مدرن (۲۰۰۱) در افغانستان حدود دو دهه می‌گذرد. در این مدت علاوه بر حکومت‌های انتقالی و موقت - که دارای مأموریت خاص بودند - افغانستان چهار دولت، دو دولت به رهبری حامد کرزی رییس جمهور پیشین افغانستان (۲۰۰۴-۲۰۱۴) و دو دولت به رهبری محمداشرف غنی، رییس جمهور فعلی افغانستان (۲۰۱۴-۲۰۲۰) را به معنای مدرن تجربه کرده است. با آن‌که دولت چهارم هنوز در وسط راه است، اما پُر آشکار است که در مدت حکم‌روایی چهار دولت مذکور، دولت‌داری توصیف واقعی بهیموت بود. حکم‌روایی در این دوره فراز و فرودهای فراوانی را پیمود و افغانستان برای تصمیم‌خام و گاه نااشیانه‌ی رهبرانش بهای غیرقابل جبرانی را پرداخت. در این نوشتار به مأموریت دولت پنجم خواهیم پرداخت که چگونه می‌تواند با بهره‌گرفتن از گذشته، تقیصه‌های دولت‌داری پیشین را با اصلاحات بنیادی در شیوه‌ی حکومت‌داری متحول سازد، مملکت را از مسیر منحرف‌شده‌ی کنونی به سوی پویایی و شگوفایی و لویاتان توصیفی هابز رهنمون سازد و آن را از زوال اجتناب‌ناپذیر بهیموتی برهاند.

نماد حکومت لویاتان را کارویژه‌های بنیادی دولت‌داری منظم چون ایجاد ثبات سیاسی، تنظیم روابط بین دولت و شهروندان، حدود اختیارات و حقوق و تکالیف آن‌ها، چگونه‌گی تبدیل خواست‌های عمومی به سیاست‌های عمومی، چگونه‌گی تضمین مشروعیت نظام‌های سیاسی، تنظیم روابط جامعه مدنی و دولت، رابطی قوای حکومتی، جلوگیری از تمرکز قدرت و فساد و زوال سیاسی، چگونه‌گی تبدیل مجامع گسترده‌ای مانند پارلمان‌ها به سازمان‌های تصمیم‌گیر، ایجاد ائتلاف‌های سیاسی پایدار، شیوه کاهش در شکاف‌های سیاسی و اجتماعی و ایجاد وفاق و هم‌بستگی در سطح واحد سیاسی تشکیل می‌دهند که در فقدان یک نظام مبتنی بر مردم (دموکراسی) هیچ‌گاه به شکل بنیادی پیاده نخواهند شد. به باور دکتر حسین بشریه (پژوهش‌گر معاصر علوم سیاسی) علم سیاست همان علم دموکراسی است. او با آن‌که در کتاب «آموزش دانش سیاسی» مبانی علم سیاست را تبیین کرد، اما آن را «علم دموکراسی» خواند که در کنار شاخه علم سیاست نظری، شاخه‌ی دیگر آن علم سیاست عملی است و بدون دموکراسی موضوعیت پیدا نمی‌کند.

در بیست سال گذشته، دموکراسی که تعریف بنیادی آن حکومت مردم، توسط مردم، برای مردم است، بیش‌تر از هر مفهوم دیگری مورد تهاجم، بی‌مهری و کج‌فهمی قرار گرفته است. شماری ارزش‌های مهم و سرنوشت‌سازی چون آزادی سیاسی که به معنای آزادی عقلانی، ارادی و عملی شهروندان و مشارکت آن‌ها در سرنوشت سیاسی‌شان است را به بی‌احترامی به ارزش‌های معنوی تفسیر کردند. عده‌ای دیگر با بهره‌گیری نادرست از حق انتخاب شهروندان و جای‌گزین کردن آن با مصلحت‌های سیاسی، انتخابات را به عنوان اصلی‌ترین مولفه مردم‌سالاری آسیب‌های فراوان زدند. گروهی با سوءاستفاده از آزادی بیان و اندیشه با تفسیری بی‌قیدوشرط از دموکراسی، سخت‌ترین ضربات را بر پیکر آن وارد کردند.

شاید این متن کوتاه کفاف تبیین برنامه‌های کلان یک دولت را نکند، اما مختصراً باید بگویم که اگر دولت پنجم دولت دموکراسی و اصلاحات سیاسی نباشد، روابط حکومت با شهروندان، قوای ثلاثه و مجامع گسترده‌ی تصمیم‌گیری احیا نشود، عدالت گسترش نیابد و با فساد و تمرکز قدرت مبارزه جدی صورت نگیرد، دولت‌داری در افغانستان با زوالی مفتضح روبه‌رو خواهد شد. آنگاه این بهیموت است که پیروز این نبرد خواهد بود.

ما نیاز به نظامی داریم که به لحاظ سیاسی تحت تأثیر تفسیر جامعه‌شناختی از علم سیاست، مدافع جدی مردم‌سالاری و نظریه‌های دموکراتیزاسیون (گذار به دموکراسی) باشد. اولین رویکرد دولت پنجم باید به اصلاحات بنیادی انتخاباتی معطوف شود تا مشروعیت سیاسی و مشارکت عمومی را تضمین کند. نظام عدلی- قضایی باید همه را در برابر قانون برابر بداند. دولت پنجم برای جلوگیری از افتادن جامعه در چاه افراطیت، از لحاظ اندیشه دینی باید تحت تأثیر افکار روشن‌فکری دینی در پی نظریه تکامل معرفت دینی، یک تلقی اخلاقی و معنوی از دین را جای‌گزین تفسیر فقهی و سیاسی دین کند. از منظر سیاست خارجی، منافع ملی ما باید زیربنای دگرترین سیاست خارجی ما باشد، نه این‌که مانند اکنون منافع خارجی خطوط اساسی سیاست خارجی ما را تعیین کند.

ما از نگاه نظری باید نشان بدهیم که دوران تحلیل‌های طبقاتی و برتری‌جویی‌های فراقانونی به پایان رسیده و به جای آن تحلیل‌های گفتمانی پدیدار گشته است. ما نیاز به یک نظریه جدید داریم که به جای استبداد و مصلحت، معتقد به دولت‌داری مردم‌سالار باشد و به توسعه نهاد دولت بینجامد. ما باید نبرد لویاتان را علیه بهیموت در دولت پنجم ببریم.

در ضمن باید دید هر کدام ما در نبرد لویاتان و بهیموت در کجا ایستاده‌ایم؛ در کنار لویاتان یا در کنار بهیموت؟



فرید احمد امیری

اهداف پنهانی جرگه‌ها



در افغانستان لویه جرگه با قدمت تاریخی و جایگاه حقوقی در وثیقه ملی به عنوان عالی‌ترین مظهر اراده مردم جا گرفته است. معمولاً لویه جرگه‌ها برای تعدیل و تصویب احکام قانون اساسی، اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و در حالات اضطرار و فوق‌العاده و همچنان برای محاکمه رییس جمهور برگزار می‌گردد.

در دو دهه پسین، عرف جرگه‌طلبی بنا شد و رهبران سیاسی برای گریز از مسوولیت‌ها و گذاشتن بار سنگین تصمیم‌گیری‌ها بر دوش تعدادی از مردم، رو به جرگه‌ها آورده و با افزودن اصل مشوره‌گیری به این جرگه‌ها، خواسته تغییر مفهومی به لویه جرگه قانونی دهند. گاهی سران دولت خواسته‌اند مفکوره‌های پنهان و نیت سیاسی خویش را در لایه‌های زیرین جرگه‌ها جا زده و خواسته‌ها را از زبان اعضای این جرگه‌ها فریاد بزنند و به آن صبغه‌ی مردم‌خواهی بدهند.

در دهه اخیر، چند بار لویه جرگه مشورتی برگزار شده که بیش‌تر ماهیت تشریفاتی داشته و به فیصله‌ها، مشوره‌ها و نظریات اشتراک‌کننده‌گان جرگه‌ها توجهی نشده است. این امر با نادیده‌گیری برآیند نشست‌ها، به جایگاه حقوقی و اعتبار اجتماعی این مجلس بزرگ ملی صدمه وارد کرده است. نیک می‌دانیم زمانی که زعامت سیاسی از دل انتخابات و آرای پاک مردم بیرون آید و جمهوری اصل نظام در کشور تلقی شود، رییس جمهور یک سلسله صلاحیت‌ها و اختیارات را از جانب مردم کسب کرده و برای قدرت‌نمایی و تصمیم‌گیری‌ها این اختیارات به او واگذار می‌شود که با خردمندی و تدبیر باید اعمال شود و نیازی نباشد تا در پستی و بلندی‌های حکومت‌داری، سیاست‌گذاری و حین برخورد با نُبست‌ها، مردم خود تعیین تکلیف کرده در جرگه‌ها شرکت کنند. صلح به عنوان یک ارزش، هدف کلان و کل یک مساله، نیاز به مشورت‌ها و شکل‌گیری اجماع ملی داشت که

در گذشته با راه‌اندازی جلسات مشوره‌گیری، صلاحیت تصمیم‌گیری به دولت تفویض شده است. حالا برگزاری جرگه برای دریافت راه حل یک بُن‌بست جزئی فراراه صلح که چگونه‌گی رهایی چند صد زندانی طالب است، از صلابت و اقتدار جمهوریت کاسته و روحیه لابی‌گری و امتیازطلبی در میز مذاکره با طالبان را قبل از آغاز پروسه گفت‌وگوها پایین می‌آورد.

رییس جمهور افغانستان در حالی شتاب‌زده جرگه مشورتی را برگزار می‌کند که بهتر بود تا کارت ارزشی و پرامتیاز را که رهایی زندانیان طالبان بود، قبل از شروع بازی وارد میدان نمی‌کرد و یک جمع کلان طالبان زندانی را مورد عفو آتی قرار نمی‌داد. حالا در بحث رهاسازی پنج‌صد زندانی دیگر طالبان نیز دولت با همان تکروری و خوداختیاری قبلی می‌تواند تصمیم اتخاذ کند.

جامعه سیاسی و جامعه مدنی افغانستان قبلاً نیز با رهایی چند هزار زندانی طالبان بدون تضمین قوی از آن‌ها موافق نبوده که دولت را با پرسش در مورد قربانی نیروهای امنیتی حین دستگیری این زندانیان به چالش کشیده است. حالا که آغاز گفت‌وگوهای صلح به دلیل رد رهایی نزدیک به پنج‌صد زندانی طالبان وارد مرحله بحرانی شده، دولت با فرار از مسوولیت

پس بهتر است جرگه در فرصتی مناسب، پس از گفت‌وگوهای نفس‌گیر با طالبان، برای تأیید یا رد فیصله‌های دو سوی گفت‌وگوکننده دعوت شود.

زمانی که مساله رهایی و عدم رهایی پنج‌صد زندانی طالب را واگذار به جرگه کنیم، در واقع باخت در آزمون تصمیم‌گیری، قاطعیت و صلابت حوزه جمهوری است و شک در اجرایی شدن نتیجه گفت‌وگو ایجاد می‌گردد. دیورند به عنوان یک معضل تاریخی میان افغانستان و پاکستان در صد سال گذشته وارد اجندای نظرخواهی در جرگه‌های ملی نشده که چند نسل تاوان این کشیده‌گی‌های مرزی را می‌پردازند. دیورند بهانه‌ای کلان برای نام‌سازی افغانستان از سوی پاکستان بوده و این کشور را واداشته تا افغانستان را عمق استراتژیک خویش برگزیند و با مداخله صریح و آشکار جانب افغانستان را به ختم این مشکل و شکایت مرزی به سازمان ملل متحد تشویق کند.

در چند سال اخیر، ارتش پاکستان به خاک افغانستان موشک‌پراگنی دارد و اخیراً حملات توپ‌خانه‌ای نظامیان این کشور از سر گرفته شده و از مردم ملکی افغانستان قربانی می‌گیرد.

طرح غافل‌گیرانه‌ی دولت برای دعوت از جرگه مشورتی صلح، نگرانی‌ها را در جامعه بالا برده که سفر اخیر زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه امریکا برای صلح افغانستان، ممکن با هشدارها و تصامیم قبلی امریکایی‌ها نسبت به سرنوشت سیاسی افغانستان به همراه بوده است که رهبری حکومت با سراسیمه‌گی در پی برگزاری لویه جرگه با آجندای رهایی زندانیان شده است. احتمال می‌رود که موارد دیگر نیز به آجندای لویه جرگه افزوده و دوام قدرت پنج‌ساله حکومت نیز از درون فیصله‌های این جرگه بیرون کشیده شود.

گمانه‌زنی‌ها در مورد روی کار آمدن اداره موقت، نتیجه زود هنگام صلح با طالبان برای منفعت کمپ انتخاباتی ترمپ در امریکا و کنار زدن رهبری فعلی در جامعه وجود دارد که با لویه جرگه‌طلبی، تردیدها و احتمالات نزدیک به واقعیت، برجسته‌تر شده است.

جایگاه نیمی از جامعه در معارف و آموزه‌های آن

بنفشه یعقوبی

کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

در مطالب پیشین، علاوه بر یادآوری این نکته که، انسان‌ها از هر دو جنس، به جهت تکمیل هم‌دیگر آفریده شده‌اند و تفاوت‌هایی میان این دو جنس، کاملاً عَرَضی است و نه ذاتی، هم‌چنان با کنکاش، دریافت شد که بسیاری از انسان‌ها در هر عصر و هر مکان، با درک نکردن این واقعیت، - یا بهتر بگوییم، با به نادانی‌زدن خودشان به گونه‌ی مصلحتی در این باره- به هر علت، و نیز با بهره‌گیری از فرهنگ، سیاست، دین، عنعنات و غیره، آن هم با معیارهایی نسبی و بحث‌برانگیز، کوشیده‌اند یک جنسیت را به حیث جنس برتر و دیگری را جنس پست یا جنس دوم بخوانند و با هر کدام آن‌ها، مطابق همین گفتمان تعامل برقرار کنند.

نیز دیدیم که در کشور ما حتا با وجود کوشش‌های فراوان جهت افول یک چنین برداشت‌های جنسیت برتر و یا جنسیت‌ستیز، که از حمایت جامعه‌ی جهانی و نظام مردم‌سالار نیز تا حد زیادی برخوردار بوده، حتا در همین سال‌های پسین نیز شواهد و قضایای زیادی به ارگان‌های عدلی-قضایی و یا نهادهای حقوق بشری رسیده که نشان‌دهنده‌ی عمق و گسترده‌گی فجایی است که در اثر همین گفتمان ضد بشری، حق حیات، آرامش و خوش‌بختی نیمی از جامعه را مستقیم یا غیر مستقیم مورد تهدید قرار داده است.

نیز با رجوع به فرهنگ و عنعنات جامعه‌مان، مواردی را بر شمردیم که بیان‌گر ضعف یا نبود باور به تساوی میان این دو می‌باشد؛ رسومی هم‌چون: بد دادن، بدل دادن، پدر و کیلی و غیره، که البته علاوه بر موارد بالا، می‌توان به عرف‌های دیگری هم‌چون: شرمیدن از بردن نام بانوان/دختران خانواده در اجتماع و به جای آن، نسبت دادن آن‌ها به یکی از مردان عضو خانواده، شرم داشتن یا تنگ و عار دانستن تولد دختر و تلاش هر چه بیش‌تر جهت تولد پسر (در بعضی اجتماعات)؛ کودک‌همسری؛ محروم‌سازی یا تعیین محدودیت در دست‌رسی دختران / بانوان به آموزش و تحصیل (در بعضی نقاط) و غیره، اشاره کرد.

اما از آن‌جایی که انتقاد و شکایت، موجب اصلاح نمی‌گردد، بلکه گام نخست این فرایند است، پس باید

به فکر گام‌های بعدی، یعنی جست‌وجوی راه حل این معضل عمومی باشیم.

یکی از بنیادترین بسترهایی که می‌تواند هم معضل‌ساز باشد و هم زمینه‌ساز حل معضل، معارف یا آموزش و پرورش است؛ زیرا نظام آموزشی یک مملکت، بنا بر آرای بسیاری از فلاسفه و دانشمندان قدیم و جدید، به مثابه ضمانتی به آینده فکری، اخلاقی، و حتا عمل‌کردی آن مملکت بوده می‌تواند و هر نوع ذهنیت و خصوصیت اخلاقی و نیز کارکردی را می‌تواند در افراد آن جامعه پرورش و تعلیم دهد.

به همین سان، نظام آموزش و پرورش یک کشور، در جهت ذهنیت‌سازی پیرامون جایگاه و نقش شهروندان بر مبنای جنسیت نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. این تأثیرگذاری، در تمامی عناصر دخیل در فرایند آموزش پرورش (یعنی محیط تعلیمی [مکتب، دانشگاه، آموزشگاه و...]) نصاب تعلیمی، پلان تعلیمی، استادان، صنف درسی، شاگردان و نیز کتاب‌های درسی، متبلور می‌گردد.

پیش از پرداختن به اثرگذاری هر یک از این عناصر در ذهنیت‌سازی جنسیتی، بد نیست به یکی دو سند اشاره کنیم که به موجب آنان، تعلیم و تربیت، حق هر عضو جامعه بشری است؛ آن هم بدون هر مرزبندی و محدودیتی که از جمله بر مبنای جنسیت آن شهروند ممکن است در اذهان نخبه‌های اجتماعی و یا سیاسی آن جامعه نقش بسته باشد.

در ماده ۴۲ قانون اساسی ج.ا.ا چنین می‌خوانیم: «تعلیم، حق تمام اتباع افغانستان است.»

در ماده ۴۴ همین قانون: «دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی‌سوادی در کشور، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق نماید.»

و یا در فقره ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌خوانیم:

«هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود...» «...آموزش فنی و حرفه‌ای باید همه‌گانی شود و دستیابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان‌پذیر باشد تا هر کس بتواند بنا به استعدادش از آن بهره‌مند گردد.»^۱

در خصوص محیط تعلیمی، هرچه بر جداسازی محیط آموزشی بر حسب جنسیت دانش‌آموزان تأکید بیش‌تری شود، معنایش آن است که از همان ابتدا سعی بر آن خواهد بود تا حساسیت و مرزبندی نقش و جایگاه اجتماعی بر اساس جنسیت را در اذهان شاگردان نقش دهند. حال آن که اگر فضای آموزشی را هر چه بیش‌تر به سمت فضای مختلط، البته با در نظر داشت عنعنات مورد پذیرش یک جامعه به پیش برویم، ذهنیت شاگردان در خصوص جایگاه افراد بر اساس جنسیت، به تعادل نزدیک‌تر خواهد شد.

در افغانستان، با توجه به آن که از سویی فرهنگ اقوام و اجتماعات مختلف این جامعه در نقاط مختلف کشور در خصوص چگونه‌گی روابط میان دختران و پسران متفاوت است. از آن‌جایی که کوشش حکومت نیز بر این بوده که با بی‌سوادی مبارزه شود و نیز بر اساس ماده ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا می‌کوشد برای بانوان / دختران نیز فضای آموزش و تحصیل را هر چه بیش‌تر فراهم کند، این گونه به نظر می‌رسد که با در نظر داشت وضعیت محل سکونت شاگردان و پذیرش اجتماعی، محیط‌های آموزشی را از نگاه کم‌وکیف جداسازی یا اختلاط شاگردان دختر و پسر، به گونه‌های مختلفی ایجاد کرده است.

این روش برخورد، در دانشگاه‌ها نیز بدین گونه عمل می‌کند و در حالی که در اکثر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، فضای نسبتاً مختلط دیده می‌شود، اما در برخی دانشگاه‌ها نیز دیده می‌شود که جداسازی بر مبنای جنسیت دانشجویان را اعمال کرده‌اند.

نکته قابل ذکر در این پیوند، این که تنها دورانی در عصر حاضر در افغانستان، که در آن، دختران/

بانوان از بسیاری از حقوق‌شان، به شمول تحصیلات پایه‌ای و عالی محروم بودند، حکومت پنج ساله امارت اسلامی، تحت رهبری «امارت اسلامی طالبان» بود و حتا اکنون نیز در سال‌های پسین، این گروه، در هر جایی که سیطره نظامی پیدا کند، از به آتش کشیدن محل‌های تحصیلی که دختران در آن درس می‌خوانند خودداری نمی‌ورزد. حتا یکی از نگرانی‌ها این است که با استقرار صلح و جای گرفتن این گروه در بدنه سیاسی کشور، وضعیت حق تحصیل دختران و بانوان چگونه خواهد شد؟

در خصوص استادان نیز، هر اندازه که به بانوان نیز مانند مردان، در امر تدریس در مکاتب و مراکز تحصیلات عالی نقش داده شوند، به همان نسبت، جایگاه جنسیتی هر دو جنس، به سمت برابری نسبی در حرکت خواهد بود.

چند سال پیش، بیبسی فارسی در گزارشی در پیوند با جایگاه بانوان/دختران در نظام آموزش و تحصیلات کشور، مطالب جالب توجه‌ی ارائه کرد، از جمله: «۳۳ درصد معلمان کشور را بانوان تشکیل می‌دهند.» «۳.۵ میلیون نفر از دانش‌آموزان، دختران می‌باشند.» «در کابل، ۷۸ درصد از معلمان، بانوان می‌باشند.»^۲

در خصوص پلان، نصاب و کتب درسی، گرچه لازم است بحث جداگانه‌ای صورت گیرد تا به درستی معلوم گردد جایگاه و نقش جنسیتی در کجا قرار دارد، اما کوتاه سخن آن که هر اندازه که نصاب تعلیمی و کتب درسی، به ویژه در عرصه زبان و ادبیات، خودش را از آموزه‌های جنسیت‌ستیز دور سازد، به همان اندازه به طرف یک جامعه مملو از رواداری بین هر دو جنس، پیش خواهیم رفت.

1- <https://ir.voanews.com/universal-human-rights>
2- https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2016/06/160623_k05_afghanistan_women_in_glance



سیدکمال حسین میری

بحران جمعیت؛ افغانستان با مشکل جمعیت چه خواهد کرد؟

پیامبر می‌شود، مخالفت خود را با کنترل نفوس آشکارا بیان می‌کنند. دلیل دوم مقاومت مردم، تفکر این که زیاد داشتن فرزند باعث عاید زیاد می‌شود و باورهایی که داشتن فرزند بیشتر به خصوص پسر باعث قدرت بیشتر در اجتماع می‌شود. چالش بزرگ دیگر دولت، محدودیت بودجه است. کنترل نفوس به بودجه قابل توجهی نیاز دارد، چنانچه هند و بنگلهدیش بودجه زیادی را برای خرید وسایل طبی و پخش آگاهی مصرف کرده‌اند. در این میان هر دو کشور با مقاومت روبه‌رو شده‌اند که هند در این سیاست تا حدی شکست را پذیرفته، اما بنگلهدیش در این اواخر موفقیت چشم‌گیری داشته است؛ چنانچه براساس یک سرشماری زنان پذیرفته‌اند که تولد فرزند را از شش به سه کاهش دهند. اما با آن هم دولت افغانستان اگر سطح سرمایه‌گذاری را افزایش دهد، با توجه به فرصت‌های موجود و جغرافیای وسیع کشور توان جذب نیروی کار حاضر وجود دارد. ولی آن‌چه که مهم است، دولت باید در افزایش جمعیت کنترل داشته باشد. نفوس مناسب باعث انکشاف اقتصادی، رفاه و پابندی به اصل انکشاف متوازن جهانی می‌شود. آن‌چه پیش‌بینی‌ها در جهان نشان می‌دهد، کشورهای جهان سوم بیش‌ترین زاد ولد را داشته‌اند. تا سال ۲۰۵۰ جمعیت جهان بیش‌تر از ۹ میلیارد نفر می‌رسد. بنابراین این مسوولیت کشورهای جهان سوم است تا از افزایش جمعیت جلوگیری کنند و در این راه کشورهای که جمعیت خود را مدیریت کرده‌اند، با استفاده از تجارب خود آن‌ها را کمک کنند تا از یک بحران وسیع که تاثیرگذار بر زنده‌گی تمام زنده‌جان‌ها است، جلوگیری صورت گیرد.

بی‌کاری و فقر و آوردن رفاه از جمله اهداف عمده اقتصاد کلان بوده که رشد جمعیت تاثیر مستقیم به این سه پدیده اقتصادی دارد. افغانستان از جمله کشورهای بوده که با رشد جمعیت به طور غیرقابل کنترل روبه‌رو بوده است؛ طوری که قبل از سال ۵۲ جمعیت کشور کم‌تر از پانزده میلیون بوده است. در جریان چهل سال اخیر با وجود جنگ‌ها، جمعیت کشور به سی‌و دو میلیون نفر رسید (براساس گزارش اداره احصایه مرکزی جمهوری اسلامی افغانستان ۱۳۹۹ ه.ش). اگر افزایش جمعیت کشور همین‌طور ادامه پیدا کند، در چند دهه آینده نفوس کشور احتمالاً به شصت میلیون نفر خواهد رسید که به طور قطع می‌توان گفت بحران جمعیت افغانستان به یکی از مشکلات بزرگ مبدل خواهد شد. حکومت افغانستان تا حالا تدابیر جدی را در رابطه به کنترل جمعیت نگرفته است، اما با آن هم اقداماتی را انجام داده است، از جمله اطلاع‌رسانی برای زنان برای افزایش فاصله زایمان‌ها. حکومت ادعا دارد که نشر آگاهی آن‌ها برای حدود ۳۵ درصد از زنان در چند سال اخیر اثر داشته است؛ اما با توجه به این که حدود هشتاد درصد نفوس کشور در ولایات و دهات به دور از دسترسی به اطلاعات جمعی زنده‌گی می‌کنند، این استنباط را می‌توان کرد که کنترل نفوس در کشور به این آسانی‌ها نیست.

چالش‌هایی را که دولت افغانستان با آن‌ها روبه‌رو است، مقاومت مردم به دلیل‌های مختلف از جمله باورهای مذهبی و روحانی هستند که از مخالفان کنترل نفوس در کشور اند. آن‌ها با حدیثی از پیامبر اسلام که در آن بیان شده زیاد بودن نفوس مسلمانان در روز محشر باعث فخر

اقتصاددان‌های مشهور به اسم کارل مارکس نظر او را رد کرد. مارکس با قبول این‌که رشد نفوس یک چالش است، اما راه‌حل آن را فقر و بدبختی خانواده‌ها نمی‌دانست. مارکس با تحلیلی بیان کرد که فقر نه تنها باعث کم شدن زاد ولد نمی‌شود، بلکه آن را افزایش می‌دهد، طوری که خانواده‌ها فکر می‌کنند با فرزندان بیشتر تر به دنیا آوردن، عاید زیادتر را نصیب می‌شوند. در کل رشد نفوس را هم می‌توان به عنوان چالش در نظر گرفت و هم می‌توان آن را فرصت در نظر گرفت. اگر حکومت‌ها خواهان یک رشد با درصدی بلند اقتصادی باشند، آن‌ها به نیروی کار بیشتر تر و ارزان نیاز دارند. چنانچه چین با استفاده از این فرصت با نیروی کار ارزان توانسته رشد اقتصادی بالای ده درصد را در مدت سه دهه اخیر داشته باشد. البته در تحت چنین شرایط هر چه نفوس بیشتر تر شود، دولت می‌تواند به رشد اقتصادی بهتر دست یابد، ولی کیفیت زنده‌گی (رفاه) مردم پایین‌تر می‌آید؛ یعنی منفعت دولت و چگونگی زنده‌گی مردم تحت شرایط مدیریت کامل نفوس با هم در تضاد است. چنانچه مقایسه زنده‌گی یک چینی با زنده‌گی یک دانمارکی این تفاوت را به خوبی نشان می‌دهد. در حالی که درصدی رشد اقتصادی چین بسیار بیشتر از دولت دانمارک است، اما مردم دانمارک از رفاه خوبی برخوردار اند.

در حالت دیگر اما اگر رشد نفوس کنترل نشود، ما شاهد یک فاجعه اقتصادی خواهیم بود. کشورهای جنوب آسیا با بیش‌ترین نفوس همیشه با بحران فقر، بی‌کاری و گرسنگی روبه‌رو بوده‌اند. افراد بی‌کار به طور آسان در گروه‌های خلاف‌کار و تروریست جذب می‌شوند. مبارزه با

بحران جمعیت به یکی از مشکلات بزرگ در قرن اخیر مبدل شده است. در عصر حاضر کشورهای جهان سوم با جمعیت زیاد دست و پنجه نرم می‌کنند. بحران جمعیت مشکلات مختلف از جمله کم شدن مواد غذایی، آلوده شدن محیط زیست، گرم شدن زمین، افزایش فقر و گرسنگی و پایین آمدن دست‌مزد را سبب می‌شود. جمعیت جهان حدود دوصد سال قبل کم‌تر از یک میلیارد نفر بود، اما بعد از انقلاب صنعتی و پیش‌رفت در عرصه طبابت، بشر با یک رشد سرسام‌آور مقابل شد، طوری که هر سال میانگین بیش‌تر از ۱.۷ درصد رشد جمعیت داشته‌ایم. دلایل عمده آن، بهتر شدن کیفیت زنده‌گی، طول عمر و پیش‌رفت طبی بوده است.

رشد نفوس از مهم‌ترین پدیده‌های مورد بحث اقتصاددان‌ها بوده است. به طور کل می‌توان گفت هیچ اقتصاددانی نبوده که رشد نفوس را مورد بحث قرار نداده باشد (اقتصاددان‌هایی که در بخش تیوری رشد جهانی پژوهش داشته‌اند). از جمله مهم‌ترین نظریه‌ها که با واکنش‌های مختلف روبه‌رو شده، نظر رابرت مالتوس است. او گفت که رشد نفوس با تصاعد هندسی به شکل ضرب اعداد و تولید مواد غذایی برای این تعداد نفوس با ضریب حسابی در حرکت است؛ یعنی در هر مقطع زمان رشد جمعیت بسیار بیش‌تر از افزایش تولید مواد غذایی سیر صعودی خواهد داشت. ظاهراً مالتوس پیش‌رفت تکنولوژیکی و تولید انبوه مواد غذایی را در نظر نگرفته بود، برای همین راه حل آن را گسترش فقر، گرسنگی و جنگ بیان کرد؛ زیرا او باور داشت که با افزایش فقر و گرسنگی، خانواده‌ها از زاد ولد جلوگیری می‌کنند. اما بعداً یکی از

نوید احمد سلیم

صنعت گردش‌گری در پنجشیر و تاثیر اقتصادی آن بر زنده‌گی مردم

ورزشی در فصل زمستان می‌تواند فرصت‌های خوبی را در جهت تشویق و جذب گردش‌گران داخلی و خارجی نماید.



تصویر از مسابقات اسکی در ولسوالی دره، قریه عبدالله

اما تحولات سیاسی و جنگ‌های چندین ساله در این ولایت فرصت‌های رشد و توسعه‌ی این صنعت را از مردم گرفته بود.

خوش‌بختانه در یک دهه اخیر صنعت گردش‌گری در این ولایت به صورت قابل ملاحظه رشد کرده است. سالانه ده‌ها هزار گردش‌گر داخلی از مناطق مختلف افغانستان از پنجشیر دیدن می‌کنند.

امنیت، عامل مهم در جذب گردش‌گری در این ولایت است. پنجشیر با وجود داشتن مرزهای مشترک با ولایات ناام از امنیت بهتر برخوردار است. صنعت گردش‌گری در پنجشیر باعث ایجاد اشتغال، افزایش تولید محصولات زراعتی، و لبنیات گردیده و تغییر مثبت در درآمد خانواده‌ها ایجاد کرده است.

زمانی که گردش‌گر وارد محلی می‌شود، باید هزینه‌هایی را متقبل گردد، مانند هزینه خوراک، هزینه محل اقامت، هزینه هتل یا مهمان‌خانه، هزینه تفریحات، هزینه حمل‌ونقل و هم‌چنان هزینه‌هایی جهت خرید صنایع دستی، خرید سوغاتی و غیره، از کشور یا محل میزبان می‌گردد. چنین هزینه‌ها می‌تواند باعث رونق اقتصادی کشور میزبان گردد.

گردش‌گران اکثراً به ولسوالی پریان پنجشیر سفر می‌کنند و از طبیعت و مناظر زیبای آن دیدن می‌کنند و لذت می‌برند. مردم این محل با استفاده از فرصت کاری خلق شده دست به ساخت خیمه‌های کرایه‌ی و رستوران کوچک اقدام کرده‌اند و برای اقامت گردش‌گران خیمه‌ها را به کرایه می‌دهند و در حدود یک هزار تا سه هزار افغانی هزینه اقامت یک شب از خیمه‌ها می‌باشد و در پهلو آن نیز محصولات لبنیات و زراعتی‌شان را نیز می‌فروشند که منبع خوب عایداتی برای مردم محل ایجاد گردیده است. ولایت پنجشیر با وجود داشتن امنیت بهتر و مکان‌های جذاب برای گردش‌گری نسبت به دیگر ولایات، هنوز نتوانسته در جذب گردش‌گران خارجی موفقانه عمل کند، سالانه به تعداد محدودی از گردش‌گران خارجی از پنجشیر دیدن می‌نمایند.

پنجشیر در هر مقطع سال از جاذبه‌های فراوانی برخوردار است و مکان خوبی برای ورزش‌های کوهنوردی، قایق‌رانی، اسکی (سزچه) و... است. اسکی یکی از بازی‌های مردم پنجشیر در فصل زمستان است. برای بازی‌های اسکی گردش‌گران از ولایات مختلف در زمستان به ولسوالی دره، قریه‌ی عبدالله‌خیل، پریان و دیگر مناطق پنجشیر سفر می‌کنند. برگزاری مسابقات

بین بردن (بت‌های بامیان) و غیره، عوامل باعث مانع رشد و توسعه گردش‌گری در افغانستان گردید و خسارت هنگفتی بر این صنعت وارد نمود، اما با ایجاد دولت جدید در سال ۲۰۰۱ صنعت گردش‌گری جان تازه گرفت و رشد چشم‌گیر داشت و به گفته‌ی آقای مومند سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ، افغانستان در سال ۲۰۱۹ به بیش، ۳۳ میلیون افغانی از رهگذر صنعت گردش‌گری درآمد کرده و گردش‌گران بیش‌تر از سه ولایت بدخشان، هرات و بامیان دیدن کردند که در حدود دو هزار گردش‌گر را دربر می‌گرفت. در واقع می‌توان بیان کرد که رشد گردش‌گری در سال‌های اخیر این واقعیت را تایید می‌کند، که این صنعت یکی از محرکه‌های اصلی در توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود و نباید از آن غافل ماند. مدیریت صحیح و بالقوه این صنعت می‌تواند نه تنها موجب رشد و توسعه جوامع محلی می‌شود، بلکه فرصت‌های جدید شغلی ایجاد می‌کند. آثار باستانی، فرهنگ‌های متنوع، آب‌وهوا و غیره عوامل تحریک‌کننده برای جهت مسافرت و گردش‌گری می‌باشد. مهم‌ترین اثرات اقتصادی صنعت گردش‌گری برای کشورهای میزبان تولید، اشتغال و درآمد ارزی است و گردش‌گری نیز باعث تبادل فرهنگی میان دهنشین و شهرنشین می‌شود.



تصویر دو گردش‌گر خارجی، ولسوالی پریان

پنجشیر یا جکچن از جمله ولایات کوهستانی، سرشار از مناظر زیبا، آب‌وهوای پاک، یخچال‌های طبیعی، دریاها و آبشارهای فراوانی است. اکثر مردم این ولایت به کشاورزی و مالدار می‌شغول‌اند. توت و تلخان از جمله محصولات مشهور این ولایت است. مردم پنجشیر مهربان، شجاع و مهمان‌نواز هستند. صنعت گردش‌گری در این ولایت سابقه چندین ساله دارد در گذشته گردش‌گران خارجی به مناطق مختلف پنجشیر سفر می‌کردند.

کسی که به مکانی غیر عادی زنده‌گی‌اش مسافرت می‌کند و حداقل یک شب و حد اکثر یک سال در آن‌جا اقامت کند و هدف مسافرتش نیز گذشتاندن اوقات فراغت باشد، گردش‌گر گفته می‌شود.

صنعت گردش‌گری به عنوان سومین بخش پردرآمد اقتصادی جهان از نظر رشد تولید ناخالص داخلی به شمار می‌رود. بر اساس اولین آمار و ارقام نشر شده توسط سازمان جهانی گردش‌گری (UNWTO) گردش‌گری بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ با ثبت ۱.۵ میلیارد سفر نسبت به سال ۲۰۱۸ با رشد چهار درصدی همراه بود. صنعت گردش‌گری جهانی نیز برای دهمین سال پیاپی رشد مثبت را سپری می‌کند. در این میان کشورهای اروپایی بیش‌ترین سهم در تولید ناخالص داخلی در صنعت گردش‌گری در سال ۲۰۱۹ داشتند. سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت گردش‌گری در جهان در حال افزایش بوده و رقابت جدی در جذب گردش‌گران خارجی میان کشورها به وجود آمده است. پیش‌بینی‌های صورت گرفته تا پایان سال ۲۰۳۰ میلادی تعداد گردش‌گران خارجی در سطح جهان ۱.۸ میلیارد نفر رشد پیدا خواهد کرد که این رقم چشم‌گیر و تاثیرگذار در اقتصاد جهانی به شمار می‌رود.

رشد و توسعه‌ی صنعت گردش‌گری برای کشورهای در حال توسعه که با مشکلات کمبود ارز، نرخ بی‌کاری، چهره‌ی مخدوش بین‌المللی و اقتصاد تک‌محصولی مواجه‌اند، از اهمیت بالایی برخوردار است. اهمیت فوق‌العاده اقتصادی و فرهنگی صنعت گردش‌گری باعث شد در سال ۱۹۷۵ سازمان جهانی ترویسیم در شهر مادرید اسپانیا تاسیس شود و افغانستان نیز، به عنوان کشور دارای تمدن باستانی و برخوردار از جاذبه‌های گردش‌گری، در سال ۱۳۴۴ خورشیدی عضویت این سازمان به دست آورد.

صنعت گردش‌گری در دهه‌های ۴۰ الی ۶۰ رشد قابل ملاحظه داشته و تعداد زیادی از گردش‌گران خارجی به مناطق مختلف افغانستان سفر و از مناطق مختلف بازدید می‌کردند، که درآمد خوبی برای دولت و مردم ایجاد کرده بود.



پسر دست‌فروش با گردش‌گر خارجی پل باغ عمومی

جنگ‌های داخلی، ناامنی‌ها، قاچاق آثار باستانی، از

بر اساس یکی از ماده‌های توافق‌نامه صلح میان ایالات متحده و طالبان، باید گروه طالبان ارتباط خود را با سایر گروه‌های جهادی و تکفیری قطع می‌کرد، اما شواهد میدانی و گزارش اخیر سازمان ملل متحد حاکی از همکاری میان دو گروه القاعده و طالبان حداقل در ۱۲ ولایت افغانستان است.

همکاری این دو گروه به سال‌های جنگ و مقاومت در افغانستان برمی‌گردد. اعضای ارشد القاعده که در زمان جهاد افغانستان که عضو گروه افغان - عرب بودند، پس از پایان جنگ به کشورهایشان برگشتند. طرد شدن اسامه بن لادن از عربستان به سودان و از سودان به افغانستان سبب شد تا تعداد زیادی از افغان - عرب‌ها دوباره به افغانستان برگردند و روابط نزدیک با طالبان داشته باشند. اسامه بن لادن رهبر القاعده در سال ۱۹۹۶ رسماً با ملا محمد عمر بیعت کرد. در این دوره طالبان در بدل کمک‌های مالی و لجستیکی القاعده به آن‌ها پایگاه و لانه‌های امن در خاک افغانستان مهیا کردند. طالبان با کمک نیروهای القاعده جبهه مقاومت را در هم شکستند و بر بخش‌های زیادی از جغرافیای افغانستان مسلط شدند. القاعده با استفاده از پایگاه امن در افغانستان حملات مرگبار را علیه امریکا طرح‌ریزی کرد. در ابتدا القاعده دو سفارت‌خانه امریکا را ناپرویی و دارالسلام هدف حمله قرار دادند و در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ مرگبارترین حملات خود را بر برج‌های دوگانه سازمان تجارت جهانی اجرا کردند. طالبان

پس این حملات به درخواست ایالات متحده مبنی بر تحویل‌دهی مغز متفکر و رهبر این گروه سر باز زدند. این امر بیان‌گر وجود رابطه‌ی خیلی نزدیک میان دو گروه است.

در سال‌های پس از ۲۰۰۱ این رابطه پایدار ماند و جنگ‌جویان القاعده در صفوف طالبان برای شکست امریکا در افغانستان مبارزه می‌کردند. طالبان با امضای توافق‌نامه‌ی صلح با ایالات متحده متعهد شدند که رابطه خود را با تمام گروه‌های بنیادگرا قطع کنند. گزارشی در تاریخ ۲۷ می سال ۲۰۲۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد «پیش‌رفت اساسی از گزارش تیم تحلیلی پشتی‌بانی و تحریم‌ها (S / ۴۸۱/۲۰۱۹) و تلاش‌ها برای ایجاد یک روند صلح از طریق مذاکرات بین طالبان و ایالات متحده امریکا با هدف دستیابی به توافق برای پایان دادن به جنگ ۱۸ ساله» نشر شده است که می‌گوید هنوز روابط میان طالبان و القاعده وجود دارد.

حسین احسانی، پژوهش‌گر گروه‌های بنیادگرا، معتقد است که در گذشته رابطه میان این گروه بر اساس

طالبان برخلاف تعهدشان به همکاری با القاعده ادامه می‌دهند

همکاری و همیاری ایدیولوژیک بود و اکنون این رویکرد تغییر کرده است و همکاری بر اساس عوامل اقتصادی و تاکتیکی است. به عبارت دیگر در دهه نود این گروه تلاش داشت تا به اهداف ایدیولوژیک خود در افغانستان برسد و اکنون تلاش بر آن است تا به اهداف مشترک اقتصادی و تاکتیکی با القاعده دست یابد.

بر اساس منابع، طالبان با القاعده روابط خانوادگی و خویشاوندی دارند که این سبب ایجاد اتحاد بیشتر میان این دو گروه می‌شود. در گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد آمده است که طالبان امنیت کاروان انتقال خانواده‌های اعضای القاعده از نقاط جنوبی افغانستان به پاکستان را گرفته است.

اخیراً وزارت دفاع ایالات متحده (پنتاگون) نیز در گزارشی، به همکاری میان این دو گروه اشاره کرده است. با در نظر داشت این موضوع طالبان به یکی از بندهای توافق‌نامه‌ی صلح پایند نبوده و به آن عمل نکرده‌اند. از سوی طالبان نیز اقدام به کاهش خشونت نشده است. در سندی که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، یکی از امیرهای القاعده از حمله

بر پایگاه نیروهای امنیتی افغانستان در سمنگان حمایت کرده است. در قسمت دیگر آمده است که القاعده از این‌که در عملیات یار و یاور طالبان بوده است، خرسند می‌باشد. این سند آشکارا به همکاری میان این دو گروه اشاره می‌کند. طالبان با تمام قوت در میدانی جنگ در مقابل نیروهای دفاعی افغانستان برای گرفتن امتیاز بیشتر در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی به مبارزه می‌پردازند. گزارش‌هایی نیز از بازگشت زندانی‌های آزاد شده به میدانی جنگ، حکایت دارند.

گزارش‌های اخیر ناظران سازمان ملل نشان می‌دهد که ایمن ظواهر در افغانستان است و روابط خود را با بازوی نظامی طالبان یعنی شبکه حقانی حفظ کرده است. ظواهری در ماه فبروری همین سال با یحیا حقانی دیدار کرده است. بر اساس این گزارش حدود ۴۰۰ الی ۶۰۰ نظامی مرتبط به القاعده در خاک افغانستان حضور دارند.

با این اوصاف دورنمای صلح و امنیت در افغانستان تار به نظر می‌آید و طالبان هیچ تعهدی در قبال توافق‌نامه‌ی صلح ندارند.

تاریخچه انتخابات در ایالت آیووا امریکا

کیوان شکوری

ایالت آیووا به مرکزیت شهر دی موین در غرب میانه امریکا می‌باشد که توماس جفرسون در ۱۸۰۳ آن سرزمین را در معامله لوئیزیانا از دولت فرانسه خرید و به صورت خودمختار اداره می‌شد. در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۸۴۶ به عنوان بیست و نهمین ایالت به ایالات متحده امریکا پیوست. طبق آخرین سرشماری جمعیت آن ۳,۱۵۵,۰۷۰ تن، که ۸۵ درصد جمعیت آن سفیدپوست، ۴.۱ درصد سیاه پوست، اسپانیولی زبان‌ها یا لاتین تبارها ۶.۳ درصد، سرخ‌پوست‌ها و بومیان آلاسکا ۰.۵ درصد، آسیایی شرقی یا Asian ۲.۷ درصد، بومیان هاوایی و دیگر جزایر ۰.۲ درصد و نژادهای دیگر ۲.۰ می‌باشد. این ایالت از مراکز بزرگ تولید ذرت می‌باشد. هربرت هوور، سی‌ویکمین رییس جمهور ایالات متحده امریکا که بحران بزرگ اقتصادی سال ۱۹۲۹ در دوران ریاست جمهوری وی شروع شد و به گونه‌ای هوور سپر بلای رکود بزرگ اقتصادی شد و به همین دلیل در انتخابات سال ۱۹۳۲ به سختی از فرانکلین روزولت نامزد دموکرات‌ها شکست خورد، کولبی لوپز، کشتی‌گیر حرفه‌ای امریکایی، دنیل دیوید پالم، مبدع علم کایروپرتکتیک و کوری تاد تیلور، نوازنده موسیقی و خواننده امریکایی که معمولاً با شماره ۸ نیز شناخته می‌شود از شخصیت‌های مشهور این ایالت هستند. سد و دریاچه‌ی رد راک و کتابخانه و موزه ریاست جمهوری هربرت هوور از مراکز دیدنی این ایالت هستند.

اما یک شهر کوچک در این ایالت وجود دارد که به خاطر نام آن برای ایرانی‌ها جالب توجه است. شهر پرشیا Persia، که طبق اسناد موجود زمانی که در حال کشیدن راه آهن شیکاگو، میلوآکی و سنت پاول بودند، گروهی از مهاجرین ایرانی در این پروژه شاغل و در احداث خط آهن پرشیا نقش داشتند. هنگامی که آبادی شکل گرفته در سال ۱۸۸۲ به شهر تبدیل شد، مردم محلی به خاطر این افراد نام آن زمان ایران را برای شهرشان انتخاب کردند و به همین علت این شهر را پرشیا نامیدند.

از سال ۱۸۴۸ که اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در این ایالت برگزار شد تا کنون ۴۳ دوره این انتخابات در این ایالت برگزار شده که ۳۰ دوره جمهوری خواهان و ۱۳ دوره دموکرات‌ها برنده و آرای اکثرال این ایالت را به نام خودشان کردند. اگر بخواهیم دقیق‌تر این موضوع

را بررسی کنیم بهتر است که به دو بخش تقسیم کنیم. بخش اول یا بخش جمهوری خواه از سال ۱۸۴۸ الی ۱۹۸۴ میلادی ۳۵ دوره انتخابات ریاست جمهوری در این ایالت برگزار شد که هفت دوره آن را دموکرات‌ها و ۲۳ دوره جمهوری خواهان برنده این انتخابات شدند و از نکات جالب توجه اینکه از سال ۱۸۵۶ الی ۱۹۲۸ میلادی ۱۹ دوره این انتخابات فقط یک دوره دموکرات‌ها برنده و ۱۸ دوره جمهوری خواهان برنده شدند. بخش دوم یا بخش دموکرات‌ها از سال ۱۹۸۸ الی ۲۰۱۶ میلادی می‌باشد که هشت دوره این انتخابات برگزار شد و دو دوره جمهوری خواهان و شش دوره دموکرات‌ها برنده این انتخابات شدند.

در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری حزب جمهوری خواه در ایالت آیووا تد کروز با ۲۷.۶ درصد آرا موفق به شکست دونالد ترامپ با ۲۴.۳ درصد آرا شد. در حزب دموکرات نیز هیلاری کلینتون با ۴۹.۹ درصد آرا موفق به شکست برنی سندرز با ۴۹.۶ درصد آرا شد. در انتخابات نهایی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ دونالد ترامپ با ۵۱.۱ درصد آرا موفق با شکست هیلاری کلینتون با ۴۱.۷ درصد آرا شد.

اما نکته مهمی درباره انتخابات مقدماتی بعضی از ایالت‌ها مثل آیووا وجود دارد. در ایالت آیووا انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری به روش کاکس (caucuses) برگزار می‌شود و روش دیگر که بیشتر ایالت‌ها برگزار می‌کنند، روش پرایمری (primaries) می‌باشد. در روش پرایمری (primaries) اعضای ثبت شده حزبی پای صندوق‌های رای رفته و به کاندیدای مورد نظرشان در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری رای می‌دهند. اما در روش کاکس (caucuses) ترکیبی از اعضای حزب و لیدرها با تشکیل یک کارگروه کاندیدای نهایی حزب در ایالت مربوطه برای انتخابات نهایی ریاست جمهوری را انتخاب می‌کنند. از دهه ۱۹۷۰ اکثر احزاب ایالتی روش پرایمری (primaries) را پذیرفتند. در حال حاضر فقط ایالت‌های آیووا، نوادا، داکوتای شمالی، وایومینگ و حزب جمهوری خواه در کنتاکی از روش کاکس (caucuses) استفاده می‌کنند. اما به این نکته باید توجه کرد روش کاکس یک ضعف بزرگ نسبت به روش پرایمری دارد و آن شمارش آرا می‌باشد، چون اعضا حزب و لیدرها در جایی مثل استادیوم جمع می‌شوند و با نام بردن هر کاندید، کسانی که مایل به انتخاب وی

در مقدماتی هستند در نقطه ای از سالن جمع می‌شوند و هر شخص به عنوان یک رای شمارش می‌شود و این شمارش جمعیت و مسایل دیگر باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی می‌شود و به طور مثال نتایج انتخابات مقدماتی امسال حزب دموکرات و حتا دوره قبل (۲۰۱۶) به خاطر مشکلات به وجود آمده در شمارش آرا با تاخیر زیاد اعلام شد.

ایالت کلرادو تا سال ۲۰۱۶ از روش (caucuses) برای انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری استفاده می‌کرد. از سال ۱۸۴۸ تا کنون تعداد ۳۸ سناتور از ایالت آیووا برای مجلس سنا امریکا انتخاب شده‌اند که ۱۱ تن دموکرات و ۲۷ تن جمهوری خواه می‌باشند. برای بهتر تحلیل کردن، این انتخابات را به دو دوره تقسیم می‌کنیم. دوره اول از سال ۱۸۴۸ الی ۱۹۲۶ که در این بازه ۷۸ ساله ۲۰ سناتور از این ایالت راهی مجلس سنا امریکا شدند. به غیر از دو سناتور منتخب دوره اول که دموکرات بودند، بقیه ۱۸ سناتور از حزب جمهوری خواه بودند. اما در دوره دوم که بازه زمانی ۹۴ ساله از سال ۱۹۲۶ الی جولای ۲۰۲۰ میلادی می‌باشد، روند انتخابات تغییر و از ۱۸ سناتور انتخاب شده ۹ تن دموکرات و ۹ تن جمهوری خواه بودند. تعداد سال‌هایی که مجموعاً ۹ سناتور دموکرات رای آوردند ۷۷ سال و ۹ سناتور جمهوری خواه ۷۰ سال می‌باشد.

Chuck Grassley و Joni Ernst از حزب جمهوری خواه دو سناتور حال حاضر این ایالت در مجلس سنا امریکا می‌باشند.

Chuck Grassley (۱۹۸۱-۲۰۲۰) یکی از دو سناتور حال حاضر این ایالت که بالاتر معرفی شد با ۳۹ سال حضور در مجلس سنا و William B. Allison (۱۸۷۳-۱۹۰۸) با ۳۵ سال حضور در سنا با سابقه ترین سناتورهای تاریخ سناتورهای ایالت آیووا در مجلس سنا امریکا می‌باشند.

اما نکته ای که نباید از دید پنهان بماند این است که سناتور Chuck Grassley از حزب جمهوری خواه با ۳۹ سال سابقه هم‌چنان صاحب این کرسی می‌باشد، اما Tom Harkin (۱۹۸۵-۲۰۱۵) از حزب دموکرات بعد از ۳۰ سال کرسی خود در مجلس سنا را به William B. Allison جمهوری خواه واگذار کرد و این که یک سناتور جمهوری خواه بعد از گذشت ۳۹ سال هم‌چنان جایگاه خود را حفظ کرده و سناتور دموکرات بعد از ۳۰ سال

این جایگاه را به جمهوری خواهان واگذار کند، نشان از گرایش مردم این ایالت به جمهوری خواهان در انتخابات مجلس سنا می‌باشد.

از سال ۱۸۴۶ تا ۲۰۲۰ میلادی مجموعاً ۱۳۱ نماینده از ایالت آیووا برای مجلس نماینده‌گان امریکا انتخاب شده‌اند که از این تعداد ۵۴ تن از حزب دموکرات، ۱۲۵ تن از حزب جمهوری خواه، سه تن از حزب ویگ (Whig Party)، سه تن Greenback Party بودند.

همان طور که از آمار ارائه شده متوجه می‌شویم، حزب جمهوری خواه در طول تاریخ انتخابات مجلس نماینده‌گان امریکا از حوزه انتخابیه آیووا با فاصله زیاد، پیش‌تر از احزاب دیگر می‌باشد. نکته قابل توجه این است که در ۱۵ الی ۲۰ سال اخیر گرایش به دموکرات‌ها در این انتخابات نسبت به گذشته بیشتر شده است، به طوری که در حال حاضر از چهار نماینده این ایالت در مجلس نماینده‌گان امریکا سه تن از حزب دموکرات می‌باشند.

اما تاریخ انتخابات فرمانداری ایالت آیووا از سال ۱۸۴۶ تا کنون ۴۳ فرماندار به خود دیده است که بعضاً بیش‌تر از یک دوره در این مقام بودند. از این تعداد ۱۰ تن از حزب دموکرات، یک تن از حزب ویگ (Whig Party) و ۳۲ تن از حزب جمهوری خواه بودند. همان طور که آمار نشان می‌دهد از زمان تشکیل ایالت آیووا فرمانداری آن در بیش‌تر زمان‌ها در اختیار جمهوری خواهان بوده. به طور مثال از سال ۱۸۵۸ الی ۱۹۳۳ میلادی تعداد ۲۲ فرماندار برای این ایالت انتخاب شد، که از این تعداد ۲۱ تن جمهوری خواه و یک تن دموکرات بودند. در حال حاضر نیز Kim Reynolds از حزب جمهوری خواه فرماندار این ایالت می‌باشد.

نتیجه:

ایالت آیووا در طول تاریخ جمهوری خواه بوده است و با توجه به این که جمهوری خواهان برنده آخرین دوره انتخابات ریاست جمهوری امریکا در این ایالت، صاحب هر دو کرسی حال حاضر این ایالت در سنا و فرمانداری هستند نشان از گرایش مردم این ایالت به جمهوری خواهان است. اما از طرف دیگر از چهار نماینده این ایالت در مجلس نماینده‌گان امریکا سه تن دموکرات می‌باشند، که دو تن از این نماینده‌گان در انتخابات سال ۲۰۱۸ انتخاب شده‌اند و باید صبر کنیم و ببینیم که این انتخاب شروعی برای تغییر کامل این ایالت از جمهوری خواهان به دموکرات‌ها می‌باشد یا هم‌چنان جمهوری خواهان پیش‌روی خواهند کرد.



روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Mujib Mehrdad

mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af

Youtube.com/HashteSubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.af_official

www.8am.af

صفحه آرایه: رضا مرادی و عبدالواسع

مسئول رسانه‌های اجتماعی: نور علی فرحت

ویدیو: حسن آذرمهر

پذیرش اعلان: Shaparsepahr@gmail.com ۰۷۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان

صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com

مدیرمسئول: معجب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com

معاون مدیرمسئول: وحید پیمان wahid.payman@gmail.com

خبرنگاران: خلیل اسیر، عبدالاحمد حسینی، علی شاه حتمل، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه علی نظری، س.نوبین

ویراستار:

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com

مدیرمسئول: معجب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com

معاون مدیرمسئول: وحید پیمان wahid.payman@gmail.com

خبرنگاران: خلیل اسیر، عبدالاحمد حسینی، علی شاه حتمل، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه علی نظری، س.نوبین

ویراستار:

چگونه رویاها تحت سلطه‌ی اقتدار گرایی تغییر می‌کند؟

نویسنده: مریلی جچاو

برگردان: محمدصابر صدیقی

منبع: نیویارکر

وقتی نازی‌ها به قدرت رسیدند، نویسندگانی که نام شارلوت براد را به جمع‌آوری رویاهای آلمانی‌ها کرد. او چه چیزی دریافته است؟

زمانی که نازی‌ها در قدرت بودند، رویاهایی که آلمانی‌ها داشتند، تأثیرات عمل‌کرد رژیم بر ناخودآگاه جمعی را نشان می‌دهد.

در زمان به قدرت رسیدن هیتلر، در سال ۱۹۳۳ یک زن سی‌ساله در برلین سلسله‌ای از رویاهای دگراندیش‌مآبانه داشت. او در محله‌ی خود از انجام اعمال معمولی خود که با پوست‌هایی شامل بیست فعل جای‌گزین شده بودند، محروم شده است. اول «لارد» بود و آخرین «من». این زن خود را در محاصره‌ای از کارگران، از جمله یک شیرفروش، یک گازرسان، یک روزنامه‌رسان و یک لوله‌کش دریافت. او احساس آرامش کرد، تا این‌که در میان آن‌ها جارو-دودکش را حس کرد. در خانواده وی، جارو-دودکش برای S.S سازمان جاسوسی هیتلر گفته می‌شد. این مردان قبض‌های خود را بالا برده و سلام نازی‌ها را می‌رساندند. سپس آن‌ها شعار دادند: «گناه شما قابل تردید نیست».

این دو مورد از حدود هفتادوپنج رویایی است که در «رایش سوم رویاها» جمع‌آوری شده است؛ کتابی عجیب و غریب و جذاب از شارلوت براد. نه مطالعه علمی و نه متن روان‌کاوی، «رایش سوم رویاها» یک دفترچه خاطرات جمعی است؛ مستندی که از سایه‌های یک ملت و در سایه‌ای از روشنایی قانون گرفته شده است. این کتاب در سال ۱۹۶۶ در آلمان منتشر شد. یک ترجمه انگلیسی توسط آدریان گوتوالد، دو سال بعد آن منتشر شد، اما از آن زمان به بعد چاپ نشده است (علی‌رغم علاقه‌ی مستمر ناشران، هیچ کس نتوانسته وارث براد را پیدا کند). اما این کتاب مستحق تجدید نظر است، نه فقط به این دلیل که ما امروز شاهد مباحثان پوپولیسم، نژادپرستی و طعم نظارت دولت به امور هستیم که براد بخشی از آن زمان بود، بل به دلیل این‌که هیچ چیز دیگری مانند آن در ادبیات هولوکاست وجود ندارد. «این رویاها - این خاطرات شبانه» مستقل از اراده‌ی آگاهانه‌ی نویسندگان آن‌ها تصور می‌شدند. «آن‌ها به اصطلاح دیکتاتوری به آن‌ها دیکته می‌کردند».

براد که روزنامه‌نگار یهودی بود، یک شارلوت آرون در فورست، در شهری در نزدیکی مرز آلمان و لهستان، به دنیا آمد بود. او در سال ۱۹۳۳ وقتی هیتلر به عنوان صدراعظم به قدرت رسید، در برلین بود. در آن سال، وی از انتشار کارهایش منع شد. او و شوهرش هاینز پول در جریان گردهم‌آیی دسته‌جمعی کمونیست‌ها به دنبال تصویب فرمان آتش‌سوزی رایشستاگ دستگیر شدند. پس از آزادی، او به طور مخفیانه ضبط رویاهای هم‌نوعان آلمانی خود را به مدت شش سال آغاز کرد. چون یهودیان آلمانی خانه، شغل و حقوق خود را از دست دادند، براد به یادداشت خود تا سال ۱۹۳۹ ادامه داد. او سه‌صد رویا را جمع کرده بود. این پروژه خطرناک بود، به ویژه به این دلیل این‌که وی برای رژیم شناخته‌شده بود. هاینز پول، شوهر براد، که زمانی برای Vossische Zeitung، روزنامه برجسته لیبرال آلمان کار می‌کرد، به زودی به پراگ فراری شد و سرانجام براد با همسر آینده خود، نویسنده و وکیل مارتین براد، آشنا شد.

برادها در شارلوتنبورگ زنده‌گی می‌کردند - یک حومه عمدتاً یهودی در برلین، جایی که چهره‌هایی هم‌چون والتر بنیامین و شارلوت سالومون را در خود جای داده بود و رویاهایی که براد آن‌ها را جمع‌آوری می‌کرد، مخلوطی از نظریات سیکولار و طبقه متوسط منطقه است. براد می‌نویسد: «مشتاقانه - بله مردان» یا افرادی که از رژیم استفاده می‌کردند، به آسانی در دسترس من نبودند. «من از یک پیرزن، همسایه، عمه، شیرفروش و حتی دوستم می‌خواستم به من رویاهای خویش را تبیین کنند، عموماً



قرارگاه‌ها را با تلفظ «آیین‌نامه منع تمایلات بورژوازی باقی‌مانده» را می‌بیند. در سال ۱۹۳۶، یک زن در آرزوی جاده‌ای برفی است که با ساعت و جواهرات پنهان شده، ولی او وسوسه شده است که شاید توسط «دفتر آزمایش صداقت بیگانه‌گان» تحت بررسی قرار دارد.

این رویاها نشان می‌دهد که چگونه یهودیان و غیریهودیان آلمانی با همکاری و رعایت پارانوایا و انزجار خود دست و پنجه نرم می‌کردند؛ حتی در حالت بیداری، این مبارزات را از دیگران و خود مخفی می‌کردند. این گزارش‌ها با تفسیر تند و ناشناخته‌ی براد در هم آمیخته شده است که با تجربه خود در مورد نازیسم و مهاجرت عمیق تر شده است. با پیش‌بینی رویاها، به جای این‌که آن‌ها را در یک تاریخ معمولی تر به مواد ثانویه رنگارنگ منتقل کند، اجازه می‌دهد تا جزئیات خارق‌العاده‌تر از هر تعبیری بلندتر صحبت کنند. در کتاب او عکس یادداشت‌های هانا هاج به یاد می‌آورد که در آن اشیاء، متن و تصاویر رسانه‌های آلمان با قیچی و آمیخته نمایش داده می‌شوند و سناریوهای غیرمنتظره‌ای را تولید می‌کنند که به خاطر عجیب و غریب بودنشان حقیقت بیش‌تری احساس می‌کنند.

در بعضی مواقع «رایش سوم رویاها» هم‌چنین از هانا آرنه که از قانون حاکمیت توتالیتار به عنوان «واقعاً تمام لحظه‌ای که بستن ترس آهنین وحشت در زنده‌گی اجتماعی خصوصی افراد خود را می‌بندد»، تکرار می‌کند. به نظر می‌رسد که براد با این پیش‌فرض موافق است؛ او خواب‌ها را به عنوان پیوسته با فرهنگی که در آن اتفاق می‌افتد، درک می‌کند، اما او هم‌چنین خواب‌ها را به عنوان قلمرو آزادی بیان که در صورت سقوط زنده‌گی خصوصی تحت کنترل دولت است، نشان می‌دهد. در چنین شرایطی، رویایی می‌تواند توصیف آن‌چه باشد که ممکن است در زنده‌گی بیدار بسیار خطرناک باشد. براد در مورد رویای صاحب کارخانه، که نمی‌تواند در هنگام بازدید از گوبلز سلام یک نازی را اجرا کند، روایت می‌کند. بعد از این‌که نیم ساعت تلاش کرد تا بازوی خود را بلند کند، ستون فقرات وی می‌شکند. براد می‌نویسد: این رویا به توضیحات نیاز دارد. «بسیار واضح و تقریباً مبتذل است» در دوره‌ای که فرد به عضوی از یک گروه اوپاش تقلیل یافته باشد (من خواب دیدم که دیگر قادر به صحبت کردن نیستم، جز با گروه خود).

کتاب براد هیچ رویای با محتوای مذهبی را در بر نمی‌گیرد و هیچ‌گونه آرزویی از یهودیان اروپای شرقی که در سراسر شهر زنده‌گی می‌کردند، در گرنادپرستراس و ویسنستراس - یعنی یهودیانی که قبلاً از جنایات عظیم جان سالم به در برده بودند، نیست. اما این غیبت‌ها از جزئیات واضح و روشن و غیرقابل تحمل براد که درک ما از زنده‌گی در سال‌های اولیه نازیسم را تعمیق می‌کند، دور نیست - دوره‌ای که هنوز هم تحت تأثیر قتل‌های گسترده و جنگ در ادبیات تحت‌الشعاع قرار گرفته است. مطالعه براد در مورد بسیاری از زنان شهری - یهودی و غیریهودی - است که زنده‌گی خود را (رویا) روایت می‌کنند. در این‌جا گورینگ در تلاش است تا از یک فروشنده زن در فلم‌ها

استقبال کند. این‌جا هیتلر است، در لباس‌های عصرانه، روی کورفورستندام، زن را با یک دست نوازش می‌کند و تبلیغات را با دست دیگر توزیع می‌کند. براد نوشت: «هیچ توصیفی دقیق از تأثیر هیتلر بر بخش بزرگی از جمعیت زنان آلمان وجود ندارد». او می‌گوید تعداد زنانی که به او و حزب او رای داده‌اند، دستکاری شده و از قدرت «شهوایی» خود محاسبه کرده‌اند. اما رویاها هم‌چنین زنان را نشان می‌دهد که به دنبال اقتدار اجتماعی بیش‌تری هستند. در یک نمونه، یک زن اخیراً طبق قوانین نژادپرستی به عنوان یک چهارم یهودی طبقه‌بندی شده است. با این حال، در یک رویا، او توسط هیتلر از پله‌های بزرگی به پایین هدایت می‌شود. وی به براد می‌گوید: «تعداد زیادی از مردم در زیر آن‌جا بودند و گروهی در حال پخش بودند و من مفتخر و خوشحالم». «به هیچ وجه زحمت رهبر ما را نمی‌توان در ملاء عام با من دید».

فصل آخر «رایش سوم رویاها» به کسانی اختصاص دارد که حداقل در رویاهای خود، در برابر رژیم مقاومت کنند (من خواب دیدم که خواب ممنوع است، اما من به هر حال انجام دادم) و کسانی که یهودی بودند. براد می‌نویسد که چنین رویاهایی «یک گروه جداگانه را تشکیل می‌دهند، دقیقاً همان‌گونه که خود یهودیان یک مقوله جداگانه تحت رژیم نازی‌ها» و محور «تئوریسم مستقیم و نه غیرمستقیم» بودند. یک پزشک یهودی آرزو می‌کند که او تنها پزشک در رایش باشد که می‌تواند هیتلر را درمان کند. هنگامی که او پیشنهاد اهدای خدمات خود را می‌دهد، یک جوان بلوند از همراهان هیتلر گریه می‌کند: «چه! شما یهودی کج هستی - پولی نداری؟» بعداً، یک وکیل یهودی در خواب سفر به لپلند یخی برای رسیدن به «آخرین کشور روی زمین که هنوز یهودیان تحمل نمی‌شوند» سفر می‌کند، اما یک مقام گمرک، «سرخ مانند یک خوک»، گذرنامه این مرد را روی یخ می‌اندازد. پیش‌فرض، دست‌نیافتنی، سرزمین موعود «در آفتاب سبز» می‌لرزد. سال ۱۹۳۵ است. شش سال بعد، اعزام‌های گسترده آغاز می‌شود.

در آلمان، «رایش سوم رویاها» به عنوان «شواهد غافل‌گیرکننده و گیرنده» و «یک سند مهم تاریخی» مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که روان‌شناس فرانسویس لنگ خاطر‌نشان کرد، عجیب است که کتاب براد در امریکا «واقعاً ناشناخته» است. شاید برای چنین تاریخ، بی‌هویتی دشوار بود که با حساب‌های فوری و واضح‌تر در دهه شصت ظاهر می‌شود و رقابت می‌کند (این کتاب هم‌زمان با «آیتمن در اورشلیم» آرنه و «تابودی یهودیان اروپایی» از راول هیلبرگ است.) با وجود این هنوز زمان ورود این مجموعه به کانون ادبیات رایش سوم وجود دارد و شاید برای به دست آوردن آن گردش‌گسترده‌تر لنگ که در بوستون مشغول فعالیت است، از طریق کار با پاورقی در «تفسیر رویاها» از فریود مطلع شد و در مورد آن در مجله انجمن روان‌کاوی امریکا نوشت.

لینک اصلی نوشته:

<https://www.newyorker.com/books/second-read/how-dreams-change-under-authoritarianism>